

کتاب لاویان

قربانی سوختنی

- و خداوند موسی را خواند، و او را از خیمه اجتماع خطاب کرده، گفت:
- «نیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: هر گاه کسی از شما قربانی نزد خداوند بگذراند، پس قربانی خود را از بهایم یعنی از گاو یا از گوسفند بگذرانید.
- ۳ اگر قربانی او قربانی سوختنی از گاو باشد، آن را نر بی عیب بگذارند، و آن را نزد در خیمه اجتماع بیاورد تا به حضور خداوند مقبول شود.
- ۴ و دست خود را بر سر قربانی سوختنی بگذارد، و برایش مقبول خواهد شد تا بجهت او کفاره کند.
- ۵ پس گاو را به حضور خداوند ذبح نماید، و پسران هارون کهنه خون را نزدیک بیاورند، و خون را بر اطراف مذبح که نزد در خیمه اجتماع است پاشند.
- ۶ و پوست قربانی سوختنی را بکند و آن را قطعه قطعه کند.
- ۷ و پسران هارون کاهن آتش بر مذبح بگذارند، و هیزم بر آتش بچینند.
- ۸ و پسران هارون کهنه قطعهاوسر و پیه را بر هیزمی که بر آتش روی مذبح است بچینند.
- ۹ و احشایش و پاچه هایش را به آب بشویند، و کاهن همه را بر مذبح بسوزاند، برای قربانی سوختنی و هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند.
- ۱۰ و اگر قربانی او از گله باشد خواه از گوسفند خواه از بز بجهت قربانی سوختنی، آن را نر بی عیب بگذراند.
- ۱۱ و آن را به طرف شمالی مذبح به حضور خداوند ذبح نماید، و پسران هارون کهنه خوش رابه اطراف مذبح پاشند.
- ۱۲ و آن را با سرش و پیه اش قطعه قطعه کند، و کاهن آنها را بر هیزمی که بر آتش روی مذبح است بچیند.
- ۱۳ و احشایش و پاچه هایش را به آب بشوید، و کاهن همه را نزدیک بیاورد و بر مذبح بسوزاند، که آن قربانی سوختنی و هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند است.
- ۱۴ اگر قربانی او بجهت خداوند قربانی سوختنی از مرغان باشد، پس قربانی خود را از فاختهها

یا از جوجه های کبوتر بگذرانند.

۱۵ و کاهن آن را نزد مذبح بیاورد و سرش را بپیچد و بر مذبح بسوزاند، و خوشش را بر پهلوئی مذبح افشرده شود.

۱۶ و چینه دانش را با فضلات آن بیرون کرده، آن را بر جانب شرقی مذبح در جای خاکستر بیندازد.

۱۷ و آن را از میان بالهایش چاک کند و از هم جدا نکند، و کاهن آن را بر مذبح برهیزی که بر آتش است بسوزاند، که آن قربانی سوختنی و هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند است.

قربانی هدیه آردی

«هر گاه کسی قربانی هدیه آردی بجهت خداوند بگذرانند، پس قربانی او از آرد نرم باشد، و روغن بر آن بریزد و کندر بر آن بنهد.

۲ و آن را نزد پسران هارون کهنه بیاورد، و یک مشت از آن بگیرد یعنی از آرد نرمش و روغنش با تمامی کندرش و کاهن آن را برای یاد گاری بسوزاند، تا هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند باشد.

۳ و بقیه هدیه آردی از آن هارون و پسرانش باشد. این از هدایای آتشین خداوند قدس اقدس است.

۴ و هر گاه قربانی هدیه آردی پخته شده های در تنور بگذرانی، پس قرصهای فطیر از آرد نرم سرشته شده به روغن، یا گرده های فطیر مالیده شده به روغن باشد.

۵ و اگر قربانی تو هدیه آردی بر ساج باشد، پس از آرد نرم فطیر سرشته شده به روغن باشد.

۶ و آن را پاره پاره کرده، روغن بر آن بریز. این هدیه آردی است.

۷ و اگر قربانی تو هدیه آردی تا به باشد از آرد نرم باروغن ساخته شود.

۸ و هدیه آردی را که از این چیزها ساخته شود نزد خداوند بیاور، و آن را پیش کاهن بگذار، و او آن را نزد مذبح خواهد آورد.

۹ و کاهن از هدیه آردی یاد گاری آن را بردارد و بر مذبح بسوزاند. این هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند است.

- ۱۰ وبقیه هدیه آردی از آن هارون وپسرانش باشد. این از هدایای آتشین خداوند قدس اقداس است.
- «هیچ هدیه آردی که بجهت خداوند می گذرانید باخمیر مایه ساخته نشود، زیرا که هیچ خمیر مایه و عسل را برای هدیه آتشین بجهت خداوند نباید سوزانید.
- ۱۲ آنها را برای قربانی نوبرها بجهت خداوند بگذارید، لیکن برای عطر خوشبو به مذبح برنیارند.
- ۱۳ و هر قربانی هدیه آردی خود را به نمک نمکین کن، و نمک عهد خدای خود را از هدیه آردی خود باز مدار، با هر قربانی خود نمک بگذاران.
- ۱۴ و اگر هدیه آردی نوبرها بجهت خداوند بگذارانی، پس خوشه های برشته شده به آتش، یعنی بلغور حاصل نیکو بجهت هدیه آردی نوبرهای خود بگذاران.
- ۱۵ و روغن بر آن بریز و کندر بر آن بنه. این هدیه آردی است.
- ۱۶ و کاهن یادگاری آن را یعنی قدری از بلغور آن و از روغنش با تمامی کندرش بسوزاند. این هدیه آتشین بجهت خداوند است.

ذبیحه سلامتی

- «اگر قربانی او ذبیحه سلامتی باشد، اگر از روزه بگذراند خواه نرو خواه ماده باشد، آن را بیعیب به حضور خداوند بگذاراند.
- ۲ و دست خود را بر سر قربانی خویش بند، و آن را نزد درخیمه اجتماع ذبح نماید، و پسران هارون که نه خون را به اطراف مذبح پاشند.
- ۳ و از ذبیحه سلامتی، هدیه آتشین بجهت خداوند بگذاراند، یعنی پیمی که احشار امپوشاند و همه پیه را که براحشاست.
- ۴ و دو گرده و پیه که بر آنهاست که برد و تهیگاه است، و سفیدی را که بر جگراست، با گردها جدا کند.
- ۵ و پسران هارون آن را بر مذبح با قربانی سوختنی برهیزی که بر آتش است بسوزانند. این هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند است.
- ۶ و اگر قربانی او برای ذبیحه سلامتی بجهت خداوند از گله باشد، آن را نرو یا ماده بیعیب بگذاراند.

- ۷ اگر بره‌ای برای قربانی خود بگذراند، آن را به حضور خداوند نزدیک بیاورد.
- ۸ و دست خود را بر سر قربانی خود بندد، و آن را نزد در خیمه اجتماع ذبح نماید، و پسران هارون خوشن را به اطراف مذبح بپاشند.
- ۹ و از ذیچه سلامتی هدیه آتشین بجهت خداوند بگذراند، یعنی پیماش و تمامی دنبه را و آن را از نزد عصص جدا کند، و پپی که احشارامی پوشاند و همه پیه را که براحشاست.
- ۱۰ و دوگرده و پپی که بر آنهاست که برد و تهیگاه است و سفیدی را که بر جگراست باگرد هها جدا کند.
- ۱۱ و کاهن آن را بر مذبح بسوزاند. این طعام هدیه آتشین بجهت خداوند است.
- و اگر قربانی او بزن باشد پس آن را به حضور خداوند نزدیک بیاورد.
- ۱۳ و دست خود را بر سرش بندد و آن را پیش خیمه اجتماع ذبح نماید. و پسران هارون خوشن را به اطراف مذبح بپاشند.
- ۱۴ و قربانی خود، یعنی هدیه آتشین را، بجهت خداوند از آن بگذراند، پپی که احشارامی پوشاند و تمامی پپی که براحشاست.
- ۱۵ و دوگرده و پپی که بر آنهاست که برد و تهیگاه است و سفیدی را که بر جگراست باگرد هها جدا کند.
- ۱۶ و کاهن آن را بر مذبح بسوزاند. این طعام هدیه آتشین برای عطر خوشبوست. تمامی پیه از آن خداوند است.
- ۱۷ این قانون ابدی در همه پشتهای شما در جمیع مسکنهای شما خواهد بود که هیچ خون و پیه را نخورد.»

قربانی نگاه

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را خطاب کرده، بگو: اگر کسی سهو نگاه کند، در هر کدام از نواهی خداوند که نباید کرد، و به خلاف هر یک از آنها عمل کند، اگر کاهن که مسح شده است گاهی ورزد و قوم را مجرم سازد، پس برای گاهی که کرده است، گوسالهای بیعیب از رمله برای قربانی نگاه نزد خداوند بگذراند.

- ۴ و گوساله را به در خیمه اجتماع به حضور خداوند بیاورد، و دست خود را بر سر گوساله بنهد و گوساله را به حضور خداوند ذبح نماید.
- ۵ و کاهن مسح شده از خون گوساله گرفته، آن را به خیمه اجتماع در آورد.
- ۶ و کاهن انگشت خود را در خون فرو برد، و به حضور خداوند پیش حجاب قدس قدری از خون را هفت مرتبه پاشد.
- ۷ و کاهن قدری از خون را بر شاخه های مذبح بخور معطر که در خیمه اجتماع است، به حضور خداوند پاشد، و همه خون گوساله را بر بنیان مذبح قربانی سوختنی که به در خیمه اجتماع است بریزد.
- ۸ و تمامی پیه گوساله قربانی نگاه، یعنی پیهی که احشار امیوشاند و همه پیه را که بر احشاست ازان بردارد.
- ۹ و دو گرده و پیهی که بر آنهاست که برد و تهیگاه است و سفیدی را که بر جگر است با گرده ها جدا کند.
- ۱۰ چنانکه از گاو ذبیحه سلامتی برداشته میشود و کاهن آنها را بر مذبح قربانی سوختنی بسوزاند.
- ۱۱ و پوست گوساله و تمامی گوشتش با سرش و پاچه هایش و احشایش و سرگینش، یعنی تمامی گوساله را بیرون لشکرگاه در مکان پاک جایی که خاکستر را می ریزند برود، و آن را بر هیزم به آتش بسوزاند. در جایی که خاکستر را می ریزند سوخته شود.
- «هرگاه تمامی جماعت اسرائیل سهوگاه کنند و آن امر از چشمان جماعت مخفی باشد، و کاری را که نباید کرد از جمیع نواهی خداوند کرده، مجرم شده باشند.
- ۱۴ چون گاهی که کردند معلوم شود، آنگاه جماعت گوساله های از رمه برای قربانی نگاه بگذارند و آن را پیش خیمه اجتماع بیاورند.
- ۱۵ و مشایخ جماعت دستهای خود را بر سر گوساله به حضور خداوند بنهند، و گوساله به حضور خداوند ذبح شود.
- ۱۶ و کاهن مسح شده، قدری از خون گوساله را به خیمه اجتماع در آورد.
- ۱۷ و کاهن انگشت خود را در خون فرو برد و آن را به حضور خداوند پیش حجاب هفت

مرتبه پیشد.

۱۸ و قدری از خون را بر شاخه های مذبح که به حضور خداوند در خیمه اجتماع است بگذارد، و همه خون را بر بنیان مذبح قربانی سوختنی که نزد در خیمه اجتماع است بریزد.

۱۹ و همه پیه آن را از آن برداشته، بر مذبح بسوزاند.

۲۰ و با گوساله عمل نماید چنانکه با گوساله قربانی گناه عمل کرد، همچنان با این بکند و کاهن برای ایشان کفاره کند، و آمرزیده خواهند شد.

۲۱ و گوساله را بیرون لشکرگاه برده، آن را بسوزاند چنانکه گوساله اول را بسوزانید. این قربانی گناه جماعت است.

«هرگاه رئیس گناه کند، و کاری را که نباید کرد از جمیع نواهی یهوه خدای خود سهو بکند و مجرم شود،

چون گاهی که کرده است بر او معلوم شود، آنگاه بزربعیب برای قربانی خود بیاورد. ۲۴ و دست خود را بر سر بزبند و آن را در جایی که قربانی سوختنی را ذبح کنند به حضور خداوند ذبح نماید. این قربانی گناه است.

۲۵ و کاهن قدری از خون قربانی گناه را به انگشت خود گرفته، بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی بگذارد، و خونس را بر بنیان مذبح سوختنی بریزد.

۲۶ و همه پیه آن را مثل پیه ذبیحه سلامتی بر مذبح بسوزاند، و کاهن برای او گاهش را کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد.

«هرگاه کسی از اهل زمین سهو گناه ورزد و کاری را که نباید کرد از همه نواهی خداوند بکند و مجرم شود،

چون گاهی که کرده است بر او معلوم شود، آنگاه برای قربانی خود بز ماده بیعیب بجهت گاهی که کرده است بیاورد.

۲۹ و دست خود را بر سر قربانی گناه بند و قربانی گناه را در جای قربانی سوختنی ذبح نماید.

۳۰ و کاهن قدری از خونس را به انگشت خود گرفته، آن را بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی بگذارد، و همه خونس را بر بنیان مذبح بریزد.

۳۱ و همه پیه آن را جدا کند چنانکه پیه از ذبیحه سلامتی جدا می شود، و کاهن آن را بر مذبح بسوزاند برای عطر خوشبو بجهت خداوند و کاهن برای او کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد.

۳۲ و اگر برای قربانی خود برهای بجهت قربانی نگاه بیاورد آن را ماده بیعیب بیاورد. ۳۳ و دست خود را بر سر قربانی نگاه بندد و آن را برای قربانی نگاه در جایی که قربانی سوختنی ذبح می شود ذبح نماید.

۳۴ و کاهن قدری از خون قربانی نگاه را به انگشت خود گرفته، بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی بگذارد و همه خونس را بر بنیان مذبح بریزد.

۳۵ و همه پیه آن را جدا کند، چنانکه پیه بره ذبیحه سلامتی جدا می شود، و کاهن آن را بر مذبح برهد ایای آتشین خداوند بسوزاند، و کاهن برای او بجهت گاهی که کرده است کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد.

«اگر کسی نگاه ورزد، و آواز قسم را

بشنود، و او شاهد باشد خواه دیده و خواه دانسته، اگر اطلاع ندهد نگاه او را متحمل خواهد بود.

۲ یا کسیکه هر چیز نجس را لمس کند، خواه لاش و حش نجس، خواه لاش بهیمه نجس، خواه لاش حشرات نجس، و آزا و مخفی باشد، پس نجس و مجرم می باشد.

۳ یا اگر نجاست آدمی را لمس کند، از هر نجاست او که به آن نجس می شود، و آزوی مخفی باشد، چون معلوم شد آنگاه مجرم خواهد بود.

۴ و اگر کسی غفلت به لپهای خود قسم خورد برای کردن کار بد یا کار نیک، یعنی در هر چیزی که آدمی غفلت قسم خورد، و آزا و مخفی باشد، چون بر او معلوم شود آنگاه در هر کدام که باشد مجرم خواهد بود.

۵ و چون در هر کدام از اینها مجرم شد، آنگاه به آن چیزی که در آن نگاه کرده است اعتراف بنماید.

و قربانی جرم خود را برای گاهی که کرده است نزد خداوند بیاورد، یعنی مادهای از گله برهای یا بزهای بجهت قربانی نگاه، و کاهن برای وی نگاهش را کفاره خواهد کرد.

۷ و اگر دست او به قیمت بره نرسد، پس قربانی جرم خود را برای گاهی که کرده است دوفاخته یاد و جوجه کبوتر نزد خداوند بیاورد، یکی برای قربانی گاه و دیگری برای قربانی سوختنی.

۸ و آنها را نزد کاهن بیاورد، و او آن را که برای قربانی گاه است اول بگذراند و سرش را از گردنش بکند و آن را دوپاره نکند، و قدری از خون قربانی گاه را بر پهلوئى مذبح بپاشد، و باقی خون بر بنیان مذبح افشاده شود. این قربانی گاه است.

۱۰ و دیگری را برای قربانی سوختنی موافق قانون بگذراند، و کاهن برای وی گاهش را که کرده است کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد.

۱۱ و اگر دستش به دوفاخته یاد و جوجه کبوتر نرسد، آنگاه قربانی خود را برای گاهی که کرده است دهیک ایفه آرد نرم بجهت قربانی گاه بیاورد، و روغن بر آن نهد و کندر بر آن نگذارد زیرا قربانی گاه است.

۱۲ و آن را نزد کاهن بیاورد و کاهن یک مشت از آن را برای یادگاری گرفته، برهد ایای آتشین خداوند بر مذبح بسوزاند. این قربانی گاه است.

۱۳ و کاهن برای وی گاهش را که در هر کدام از اینها کرده است کفاره خواهد کرد، و آمرزیده خواهد شد، و مثل هدیه آردی از آن کاهن خواهد بود.»

قربانی جرم

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«گر کسی خیانت ورزد، و درباره چیزهای مقدس خداوند سهو گاه کند، آنگاه قربانی جرم خود را قوچی بیعیب از گله نزد خداوند موافق بر آورد، و به مثقالهای نقره مطابق مثقال قدس بیاورد، و این قربانی جرم است.»

۱۶ و به عوض نقصانی که در چیز مقدس رسانیده است عوض بدهد، و پنج یک بر آن اضافه کرده، و آن را به کاهن بدهد و کاهن برای وی به قوچ قربانی جرم کفاره خواهد کرد، و آمرزیده خواهد شد.

۱۷ و اگر کسی گناه کند و کاری از جمیع نواهی خداوند که نباید کرد بکند، و آن را نداند، پس مجرم است و متحمل گناه خود خواهد بود.

۱۸ و قوچی بیعیب از گله موافق بر آورد و نزد کاهن بیاورد، و کاهن برای وی غفلت او را که کرده است کفاره خواهد کرد، و آمرزیده خواهد شد.
۱۹ این قربانی جرم است البته نزد خداوند مجرم می باشد.»

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«گر کسی گناه کند، و خیانت به خداوند ورزد، و به همسایه خود دروغ گوید، در باره امانت یا رهن یا چیزی دزدیده شده، یا مال همسایه خود را غصب نماید، یا چیزی گمشده را یافته، در باره آن دروغ گوید، و قسم دروغ بخورد، در هر کدام از کارهایی که شخصی در آنها گناه کند.

۴ پس چون گناه ورزیده، مجرم شود، آنچه را که دزدیده یا آنچه را غصب نموده یا آنچه نزد او به امانت سپرده شده یا آن چیز گم شده را که یافته است، رد بنماید.

۵ یا هر آنچه را که در باره آن قسم دروغ خورده، هم اصل مال را رد بنماید، و هم پنج یک آن را بر آن اضافه کرده، آن را به مالکش بدهد، در روزی که جرم او ثابت شده باشد.
۶ و قربانی جرم خود را نزد خداوند بیاورد، یعنی قوچ بیعیب از گله موافق بر آورد تو برای قربانی جرم نزد کاهن.

۷ و کاهن برای وی به حضور خداوند کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد، از هر کاری که کرده، و در آن مجرم شده است.»

قانون قربانی سوختنی

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ارون و پسرانش را امر فرموده، بگو: این است قانون قربانی سوختنی: که قربانی سوختنی تمامی شب تا صبح بر آتشدان مذبح باشد، و آتش مذبح بر آن فروخته بماند.

۱۰ و کاهن لباس گنجان خود را بپوشد، و زیر جامه گنجان بریدن خود بپوشد، و خاکستر قربانی سوختنی را که بر مذبح به آتش سوخته شده، بردارد و آن را به یک طرف مذبح بگذارد.

۱۱ و لباس خود را بپوشد، و خاکستر را بیرون لشکرگاه به جای پاک ببرد.

۱۲ و آتشی که بر مذبح است فروخته باشد، و خاموش نشود و هر بامداد کاهن هیزم

برآن بسوزاند، و قربانی سوختنی را برآن مرتب سازد، و پیه ذبیحه سلامتی را برآن بسوزاند، و آتش بر مذبح پیوسته افروخته باشد، و خاموش نشود.

قانون هدیه آردی

«این است قانون هدیه آردی: پسران هارون آن را به حضور خداوند بر مذبح بگذارند. ۱۵ و از آن یک مشت از آرد نرم هدیه آردی و از روغنش با تمامی کندر که بر هدیه آردی است بردارد، و بر مذبح بسوزاند، برای عطر خوشبو و یادگاری آن نزد خداوند. ۱۶ و باقی آن را هارون و پسرانش بخورند. بخیمر مایه در مکان قدس خورده شود، در صحن خیمه اجتماع آن را بخورند.

۱۷ با خمیر مایه پخته نشود، آن را از هدایای آتشین برای قسمت ایشان دادهام، این قدس اقداس است مثل قربانی نگاه و مثل قربانی جرم.

۱۸ جمیع ذکور از پسران هارون آن را بخورند. این فریضه ابدی در نسلهای شما از هدایای آتشین خداوند است، هر که آنها را لمس کند مقدس خواهد بود.»
و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«این است قربانی هارون و پسرانش که در روز مسح کردن او نزد خداوند بگذارند، دهیک ایفه آرد نرم برای هدیه آردی دائمی، نصفش در صبح و نصفش در شام، و رساج باروغن ساخته شود و چون آمیخته شد آن را بیاور و آن را به پاره‌های برشته شده برای هدیه آردی بجهت عطر خوشبو نزد خداوند بگذاران.

۲۲ و کاهن مسح شده که از پسرانش در جای او خواهد بود آن را بگذارند. این است فریضه ابدی که تمامی نزد خداوند سوخته شود.

۲۳ و هر هدیه آردی کاهن تمام سوخته شود و خورده نشود.»

قانون قربانی نگاه

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ارون و پسرانش را خطاب کرده، بگو: این است قانون قربانی نگاه، در جایی که قربانی سوختنی ذبح میشود، قربانی نگاه نیز به حضور خداوند ذبح شود. این قدس اقداس است.»

- ۲۶ و کاهنی که آن را برای گناه میگذرانند آن را بخورد، در مکان مقدس، در صحن خیمه اجتماع خورده شود.
- ۲۷ هر که گوشتش را لمس کند مقدس شود، و اگر خوش بر جامهای پاشیده شود آنچه را که بر آن پاشیده شده است در مکان مقدس بشوی.
- ۲۸ و ظرف سفالین که در آن پخته شود شکسته شود و اگر در ظرف مسین پخته شود زدوده، و به آب شسته شود.
- ۲۹ و هر ذکوری از کاهنان آن را بخورد، این قدس اقدس است.
- ۳۰ و هیچ قربانی گناه که از خون آن به خیمه اجتماع در آورده شود تا در قدس کفار نماید خورده نشود، به آتش سوخته شود.

قانون قربانی جرم

- «این است قانون قربانی جرم، این اقدس اقدس است.
- ۲ در جایی که قربانی سوختنی را ذبح کنند، قربانی جرم را نیز ذبح بکنند، و خوش را به اطراف مذبح پاشند.
- ۳ و از آن همه پیمایش را بگذرانند، دنبه و پیه که احشای پاشند.
- ۴ و دو گرده و پیهی که بر آنهاست که برد و تهیگاه است، و سفیدی را که بر جگر است، با گرده جدا کند.
- ۵ و کاهن آنها را برای هدیه آتشین بجهت خداوند بسوزاند. این قربانی جرم است.
- ۶ و هر ذکوری از کاهنان آن را بخورد، در مکان مقدس خورده شود. این قدس اقدس است.
- «قربانی جرم مانند قربانی گناه است. آنها را یک قانون است. کاهنی که به آن کفار کند از آن خواهد بود.
- ۸ و کاهنی که قربانی سوختنی کسی را گذرانند، آن کاهن پوست قربانی سوختنی را که گذرانید برای خود نگه دارد.
- ۹ و هر هدیه آردی که در تنور پخته شود و هر چه برتابه یا ساج ساخته شود از آن کاهن که آن را گذرانید خواهد بود.

۱۰ و هر هدیه آردی، خواه به روغن سرشته شده، خواه خشک، از آن همه پسران هارون بیتفاوت یکدیگر خواهد بود.

قانون ذبیحه سلامتی

«این است قانون ذبیحه سلامتی که کسی نزد خداوند بگذراند.

۱۲ اگر آن را برای تشکر بگذراند پس با ذبیحه تشکر، قرصهای فطیر سرشته شده به روغن، و نازکهای فطیر مالیده شده به روغن، و از آرد نرم آمیخته شده، قرصهای سرشته شده به روغن را بگذراند.

۱۳ با قرصهای نان خمیر مایه دار قربانی خود را همراه ذبیحه تشکر سلامتی خود بگذراند.

۱۴ و از آن از هر قربانی یکی را برای هدیه فراشتی نزد خداوند بگذراند، و از آن آن کاهن که خون ذبیحه سلامتی را میپاشد خواهد بود.

۱۵ و گوشت ذبیحه تشکر سلامتی او در روز قربانی وی خورده شود، چیزی از آن را تا صبح نگذارد.

۱۶ و اگر ذبیحه قربانی او نذری یا تبرعی باشد، در روزی که ذبیحه خود را میگذراند خورده شود، و باقی آن در فردای آن روز خورده شود.

۱۷ و باقی گوشت ذبیحه در روز سوم به آتش سوخته شود.

۱۸ و اگر چیزی از گوشت ذبیحه سلامتی او در روز سوم خورده شود مقبول نخواهد شد و برای کسیکه آن را گذرانید محسوب نخواهد شد، نجس خواهد بود. و کسیکه آن را بخورد گناه خود را متحمل خواهد شد.

۱۹ و گوشتی که به هر چیز نجس بر خورد، خورده نشود، به آتش سوخته شود، و هر که طاهر باشد از آن گوشت بخورد.

۲۰ لیکن کسیکه از گوشت ذبیحه سلامتی که برای خداوند است بخورد و نجاست او بر او باشد، آن کس از قوم خود منقطع خواهد شد.

۲۱ و کسیکه هر چیز نجس را خواه نجاست آدمی، خواه بهیمه نجس، خواه هر چیز مکروه نجس را لمس کند، و از گوشت ذبیحه سلامتی که برای خداوند است بخورد، آن کس از قوم خود منقطع خواهد شد.»

قانون در مورد پیه و خون

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را خطاب کرده، بگو: هیچ پیه گاو و گوسفند و بز را نخوردید.

۲۴ اما پیه مردار و پیه حیوان دریده شده برای هر کار استعمال می‌شود، لیکن هرگز نخورده نشود.

۲۵ زیرا هر که پیه جانوری که از آن هدیه آتشین برای خداوند می گذرانند بخورد، آن کس که خورد، از قوم خود منقطع شود.

۲۶ و هیچ خون را خواه از مرغ خواه از بهایم در همه مسکنهای خود نخوردید.

۲۷ هر کسی که از هر قسم خون بخورد، آن کس از قوم خود منقطع خواهد شد.»

حصه کاهنان

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را خطاب کرده، بگو: هر که ذبیحه سلامتی خود را برای خداوند بگذرانند، قربانی خود را از ذبیحه سلامتی خود نزد خداوند بیاورد.

۳۰ پهدستهای خود هدایای آتشین خداوند را بیاورد، پیه را با سینه بیاورد تا سینه بجهت هدیه جنبانیدنی به حضور خداوند جنبانیده شود.

۳۱ و کاهن پیه را بر مذبح بسوزاند، و سینه از آن هارون و پسرانش خواهد بود.

۳۲ و ران راست را برای هدیه افراشتنی از ذبایح سلامتی خود به کاهن بدهید.

۳۳ آن کس از پسران هارون که خون ذبیحه سلامتی و پیه را گذرانید، ران راست حصه وی خواهد بود.

۳۴ زیرا سینه جنبانیدنی و ران افراشتنی را از نیاسرائیل از ذبایح سلامتی ایشان گرفتم، و آنها را به هارون کاهن و پسرانش به فریضه ابدی از جانب بنیاسرائیل دادم.»

این است حصه مسح هارون و حصه مسح پسرانش از هدایای آتشین خداوند، در روزی که ایشان را نزدیک آورد تا برای خداوند کهانت کنند.

۳۶ که خداوند امر فرمود که به ایشان داده شود، در روزی که ایشان را از میان بنیاسرائیل مسح کرد، این فریضه ابدی در نسلهای ایشان است.

۳۷ این است قانون قربانی سوختنی و هدیه آردی و قربانی نگاه و قربانی جرم و قربانی تقدیس و ذبیحه سلامتی،

که خداوند به موسی در کوه سینا امر فرموده بود، در روزی که بنیاسرائیل را ما مور فرمود تا قربانی های خود را نزد خداوند بگذارند در صحرای سینا.

مسح هارون و پسرانش

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ارون و پسرانش را با او و ورختها و روغن مسح و گوساله قربانی نگاه و دوقوچ و سبد نان فطیر را بگیر.

۳ و تمامی جماعت را به درخیمه اجتماع جمع کن.»

پس موسی چنانکه خداوند به وی امر فرموده بود به عمل آورد، و جماعت به درخیمه اجتماع جمع شدند.

۵ و موسی به جماعت گفت: «این است آنچه خداوند فرموده است که کرده شود.»

پس موسی هارون و پسرانش را نزدیک آورد، و ایشان را به آب غسل داد.

۷ و پیراهن را بر او پوشانید و کمر بند را بر او بست، و او را به ردالملبس ساخت، و ایفود را بر او گذاشت و زنار ایفود را بر او بسته، آن را بر وی استوار ساخت و سینه بند را بر او گذاشت و او را بر سر او بستیم و سینه بند گذارد.

۹ و عمامه را بر سرش نهاد، و بر عمامه در پیش آن تنگه زرین، یعنی افسر مقدس را نهاد، چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود.

و موسی روغن مسح را گرفته، مسکن و آنچه را که در آن بود مسح کرده، آنها را تقدیس نمود.

۱۱ و قدری از آن را بر مذبح هفت مرتبه پاشید، و مذبح و همه اسبابش و حوض و پایاهش را مسح کرد، تا آنها را تقدیس نماید.

۱۲ و قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخته، او را مسح کرد تا او را تقدیس نماید.

۱۳ و موسی پسران هارون را نزدیک آورده، بر ایشان پیراهن را پوشانید و کمر بندها را بر ایشان بست و کلاهها را بر ایشان نهاد، چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود.

پس گوساله قربانی نگاه را آورد، و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر گوساله قربانی نگاه نهادند.

- ۱۵ وآن را ذبح کرد، و موسی خون را گرفته، بر شاخهای مذبح به هر طرف به انگشت خود مالید، و مذبح را طاهر ساخت، و خون را بر بنیان مذبح ریخته، آن را تقدیس نمود تا برایش کفاره نماید.
- ۱۶ و همه پیه را که بر احشای او بود و سفیدی جگر و دو گرده و پیه آنها را گرفت، و موسی آنها را بر مذبح سوزانید
- و گوساله و پوستش و گوشتش و سرگینش را بیرون از لشکر گاه به آتش سوزانید، چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود.
- ۱۸ پس قوچ قربانی سوختنی را نزدیک آورد، و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر قوچ نهادند.
- ۱۹ و آن را ذبح کرد، و موسی خون را به اطراف مذبح پاشید.
- ۲۰ و قوچ را قطعه قطعه کرد، و موسی سر و قطعها و چربی را سوزانید.
- ۲۱ و احشای او را چهار به آب شست و موسی تمامی قوچ را بر مذبح سوزانید.
- پس قوچ دیگری یعنی قوچ تخصیص را نزدیک آورد، و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر قوچ نهادند.
- ۲۳ و آن را ذبح کرد، و موسی قدری از خونس را گرفته، بر نرمه گوش راست هارون و بر شست دست راست او، و بر شست پای راست او مالید.
- ۲۴ و پسران هارون را نزدیک آورد، و موسی قدری از خون را بر نرمه گوش راست ایشان، و بر شست دست راست ایشان، و بر شست پای راست ایشان مالید، و موسی خون را به اطراف مذبح پاشید.
- ۲۵ و پیه و دنبه و همه پیه را که بر احشاست، و سفیدی جگر و دو گرده و پیه آنها و ران راست را گرفت.
- ۲۶ و از سبندان فطیر که به حضور خداوند بود، یک قرص فطیر و یک قرص نان روغنی و یک نازک گرفت، و آنها را بر پیه و بر ران راست نهاد.
- ۲۷ و همه را بر دست هارون و بر دستهای پسرانش نهاد. و آنها را برای هدیه جنبانیدنی به حضور خداوند جنبانید.
- ۲۸ و موسی آنها را از دستهای ایشان گرفته، بر مذبح بالای قربانی سوختنی سوزانید.

این هدیه تخصیص برای عطر خوشبو و قربانی آتشین بجهت خداوند بود.

۲۹ و موسی سینه را گرفته، آن را به حضور خداوند برای هدیه جنبانیدی جنبانید، و از قوچ تخصیص، این حصه موسی بود چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود.

و موسی قدری از روغن مسح و از خونی که بر مذبح بود گرفته، آن را بر هارون و رختهای و پسرانش و رختهای پسرانش باوی پاشید، و هارون و رختهای و پسرانش و پسرانش را باوی تقدیس نمود.

۳۱ و موسی هارون و پسرانش را گفت: «وشت را نزد درخیمه اجتماع بپزید و آن را بانانی که در سید تخصیص است در آنجا بخورید، چنانکه امر فرموده، گفتم که هارون و پسرانش آن را بخورند.

۳۲ و باقی گوشت و نان را به آتش بسوزانید.

۳۳ و از درخیمه اجتماع هفت روز بیرون مروید تا روزی که ایام تخصیص شما تمام شود، زیرا که در هفت روز شمارا تخصیص خواهد کرد.

۳۴ چنانکه امروز کرده شده است، همچنان خداوند امر فرمود که بشود تا برای شما کفاره گردد.

۳۵ پس هفت روز نزد درخیمه اجتماع روز و شب بمانید، و امر خداوند را نگاه دارید مبادا بمیرید، زیرا همچنین مامور شد هام.»

و هارون و پسرانش همه کارهایی را که خداوند به دست موسی امر فرموده بود بجا آوردند.

شروع کار کاهنان

و واقع شد که در روز هشتم، موسی هارون و پسرانش و مشایخ اسرائیل را خواند.

۲ و هارون را گفت: «و سالهای نرینه برای قربانی نگاه، و قوچی بجهت قربانی سوختنی، هر دو را بی عیب بگیر، و به حضور خداوند بگردان.

۳ و بنی اسرائیل را خطاب کرده، بگو: بزغاله نرینه برای قربانی نگاه، و گوساله و بره های هر دو یک ساله و بی عیب برای قربانی سوختنی بگیرید.

۴ و گاو و قوچی برای ذبحه سلامتی، تا به حضور خداوند ذبح شود، و هدیه آردی سرشته شده به روغن را، زیرا که امر و خداوند بر شما ظاهر خواهد شد.»

پس آنچه را که موسی امر فرموده بود پیش خیمه اجتماع آوردند. و تمامی جماعت نزدیک شده، به حضور خداوند ایستادند.

۶ و موسی گفت: «این است کاری که خداوند امر فرموده است که بکنید، و جلال خداوند بر شما ظاهر خواهد شد.»

و موسی هارون را گفت: «زدیگ مذبح بیا و قربانی نگاه خود و قربانی سوختنی خود را بگذران، و برای خود و برای قوم کفاره کن، و قربانی قوم را بگذران و بجهت ایشان کفاره کن، چنانکه خداوند امر فرموده است.»

و هارون به مذبح نزدیک آمده، گوساله قربانی نگاه را که برای خودش بود ذبح کرد. و پسران هارون خون را نزد او آوردند و انگشت خود را به خون فرو برده، آن را بر شاخهای مذبح مالید و خون را بر بنیان مذبح ریخت.

۱۰ و پیه و گردها و سفیدی جگرا و قربانی نگاه را بر مذبح سوزانید، چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود.

۱۱ و گوشت و پوست را بیرون لشکرگاه به آتش سوزانید.

۱۲ و قربانی سوختنی را ذبح کرد، و پسران هارون خون را به او سپردند، و آن را به اطراف مذبح پاشید.

۱۳ و قربانی را به قطعه هایش و سرش به او سپردند، و آن را بر مذبح سوزانید.

۱۴ و احشا و پاچهها را شست و آنها را بر قربانی سوختنی بر مذبح سوزانید.

۱۵ و قربانی قوم را نزدیک آورد، و بر قربانی نگاه را که برای قوم بود گرفته، آن را ذبح کرد و آن را مثل اولین برای نگاه گذرانید.

۱۶ و قربانی سوختنی را نزدیک آورده، آن را به حسب قانون گذرانید.

۱۷ و هدیه آردی را نزدیک آورده، مشتی از آن برداشت، و آن را علاوه بر قربانی سوختنی صبح بر مذبح سوزانید.

۱۸ و گاو و قوچ ذبیحه سلامتی را که برای قوم بود ذبح کرد، و پسران هارون خون را به او سپردند و آن را به اطراف مذبح پاشید.

۱۹ و پیه گاو و دنبه قوچ و آنچه احشا را میپوشاند و گردها و سفیدی جگرا.

- ۲۰ وپه رابرسینه‌ها نهادند، وپه رابرمذبح سوزانید.
- ۲۱ وهارون سینه‌ها و ران راست را برای هدیه جنبانیدنی به حضور خداوند جنبانید، چنانکه موسی امر فرموده بود.
- ۲۲ پس هارون دستهای خود را به سوی قوم برافراشته، ایشان را برکت داد، و از گذرانیدن قربانی نگاه و قربانی سوختنی و ذبایح سلامتی بزرآمد.
- ۲۳ و موسی و هارون به خیمه اجتماع داخل شدند، و بیرون آمده، قوم را برکت دادند و جلال خداوند بر جمیع قوم ظاهر شد.
- ۲۴ و آتش از حضور خداوند بیرون آمده، قربانی سوختنی وپه رابرمذبح بلعید، و چون تمامی قوم این را دیدند، صدای بلند کرده، به روی درافتادند.

اهمیت تقدیس

- و ناداب و ابیهو پسران هارون، هر یکی بجمره خود را گرفته، آتش بر آنها نهادند. و بخور بر آن گذارده، آتش غریبی که ایشان را نفرموده بود، به حضور خداوند نزدیک آوردند.
- ۲ و آتش از حضور خداوند به در شده، ایشان را بلعید، و به حضور خداوند مردند.
- ۳ پس موسی به هارون گفت: «بن است آنچه خداوند فرموده، و گفته است که از آنانی که به من نزدیک آیند تقدیس کرده خواهم شد، و در نظر تمامی قوم جلال خواهم یافت.» پس هارون خاموش شد.
- ۴ و موسی میشائیل و الصافان، پسران عزریئیل عموی هارون را خوانده، به ایشان گفت: «ز نزدیک آمده، برادران خود را از پیش قدس بیرون لشکر گاه ببرد.»
- پس نزدیک آمده، ایشان را در پیراهنهای ایشان بیرون لشکر گاه بردند، چنانکه موسی گفته بود.
- ۶ و موسی هارون و پسرانش العازار و ایثامار را گفت: «و بهای سر خود را باز مکنید و گریبان خود را چاک مزنید مبادا بمیرید. و غضب بر تمامی جماعت بشود. اما برادران شما یعنی تمام خاندان اسرائیل بجهت آتشی که خداوند افروخته است ماتم خواهند کرد.
- ۷ و از در خیمه اجتماع بیرون مروید مبادا بمیرید، زیرا روغن مسح خداوند بر شماست.»
- پس به حسب آنچه موسی گفت، کردند.

و خداوند هارون را خطاب کرده، گفت: «و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شویدی شراب و مسکری منوشید مبادا بمیرید. این است فریضه ابدی در نسلهای شما.

۱۰ و تادرمیان مقدس و غیر مقدس و نجس و طاهر تمیز دهید، و تابه بنیاسرائیل همه فریضی را که خداوند به دست موسی برای ایشان گفته است، تعلیم دهید.»

و موسی به هارون و پسرانش العازار و ایتامار که باقی بودند گفت: «دیه آردی که از هدایای آتشین خداوند مانده است بگیرید، و آن را نیمیرمایه نزد مذبح بخورید زیرا قدس اقداس است.»

۱۳ و آن را در مکان مقدس بخورید زیرا که از هدایای آتشین خداوند این حصه تو و حصه پسران توست چنانکه مامور شده ام.

۱۴ و سینه جنبائیدنی و ران افراشتنی را تو و پسرانت و دخترانت با تو در جای پاک بخورید، زیرا اینها از ذبایح سلامتی بنیاسرائیل برای حصه تو و حصه پسرانت داده شده است.

۱۵ ران افراشتنی و سینه جنبائیدنی را با هدایای آتشین پیه بیاورند، تا هدیه جنبائیدنی به حضور خداوند جنبائیده شود، و از آن تو و از آن پسرانت خواهد بود، به فریضه ابدی چنانکه خداوند امر فرموده است.»

و موسی بر قربانی گاه را طلبید و اینک سوخته شده بود، پس بر العازار و ایتامار پسران هارون که باقی بودند خشم نمود، گفت:

«راقربانی گاه را در مکان مقدس نخوردید؟ زیرا که آن قدس اقداس است، و به شما داده شده بود تا گاه جماعت را برداشته، برای ایشان به حضور خداوند کفاره کنید. ۱۸ اینک خون آن به اندرون قدس آورده نشد، البته میبایست آن را در قدس خورده باشید، چنانکه امر کرده بودم.»

هارون به موسی گفت: «اینک امر و قربانی گاه خود و قربانی سوختنی خود را به حضور خداوند گذرانیدند، و چنین چیزها بر من واقع شده است، پس اگر امر و قربانی گاه را میخوردم آیا منظور نظر خداوند میشد؟»

چون موسی این را شنید، در نظرش پسند آمد.

غذای نجس و طاهر

- و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده، به ایشان گفت:
- «نیاسرائیل را خطاب کرده، بگویند: اینها حیواناتی هستند که میباید بخورید، از همه بهایی که بر روی زمیناند.
- ۳ هر شکافته سم که شکاف تمام دارد و نشخوارکننده‌های از بهایم، آن را بخورید.
- ۴ اما از نشخوارکنندگان و شکافتگان سم اینها را نخورید، یعنی شتر، زیرا نشخوار میکند لیکن شکافته سم نیست، آن برای شما نجس است.
- ۵ و ونگ، زیرا نشخوار میکند اما شکافته سم نیست، این برای شما نجس است.
- ۶ و خرگوش، زیرا نشخوار میکند ولی شکافته سم نیست، این برای شما نجس است.
- ۷ و خوک، زیرا شکافته سم است و شکاف تمام دارد لیکن نشخوار نمی کند، این برای شما نجس است.
- ۸ از گوشت آنها نخورید و لاش آنها را لمس نکنید، اینها برای شما نجساند.
- ۹ از همه آنچه در آب است اینها را بخورید، هر چه پروفلس دارد در آب خواه در دریا خواه در نهرها، آنها را بخورید.
- ۱۰ و هر چه پروفلس ندارد در دریا یا در نهرها، از همه حشرات آب و همه جانورانی که در آب میباشند، اینها نزد شما مکروه باشند.
- ۱۱ البته نزد شما مکروه‌اند، از گوشت آنها نخورید و لاشهای آنها را مکروه دارید.
- ۱۲ هر چه در آبها پروفلس ندارد نزد شما مکروه خواهد بود.
- ۱۳ و از مرغان اینها را مکروه دارید، خورده نشوند، زیرا مکروه‌اند، عقاب و استخوان خوار و نسر بحر.
- ۱۴ و کرکس و لاشخوار به اجناس آن.
- ۱۵ و غراب به اجناس آن.
- ۱۶ و شتر مرغ و جغد و مرغ دریایی و باز به اجناس آن.
- ۱۷ و بوم و غواص و بوتیمار.
- ۱۸ و قاز و مرغ سقا و رخم.
- ۱۹ و لقلق و کلنگ به اجناس آن و هدهد و شپره.
- ۲۰ و همه حشرات بالدار که بر چهارپایم روند برای شما مکروه‌اند.

- ۲۱ لیکن اینهارا بخورید از همه حشرات بالدار که بر چهارپا میروند، هر کدام که بر پایهای خود ساقها برای جستن بر زمین دارند.
- ۲۲ از آن قسم اینهارا بخورید. ملخ به اجناس آن و دبابه اجناس آن و حرجوان به اجناس آن و حدب به اجناس آن.
- ۲۳ و سایر حشرات بالدار که چهارپا دارند برای شما مکر و هاند.
- ۲۴ از آنها نجس میشود، هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد.
- ۲۵ و هر که چیزی از لاش آنها بردارد، رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد.
- ۲۶ و هر بهیمهای که شکافه سم باشد لیکن شکاف تمام ندارد و نشخوار نکند اینها برای شما نجسند، و هر که آنها را لمس کند نجس است.
- ۲۷ و هر چه بر کف پارودان همه جانورانی که بر چهارپا میروند، اینها برای شما نجسند، هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد.
- ۲۸ و هر که لاش آنها بردارد، رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد. اینها برای شما نجسند.
- «از حشراتی که بر زمین میخزند اینها برای شما نجسند: موش کور و موش و سوسمار به اجناس آن،
ودله و وورل و چلیپاسه و کرباسه و بوقلمون.
- ۳۱ از جمیع حشرات اینها برای شما نجسند: هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد، و بر هر چیزی که یکی از اینها بعد از موتش بیفتد نجس باشد، خواه هر ظرف چوبی، خواه رخت، خواه چرم، خواه جوال، هر ظرفی که در آن کار کرده شود در آب گذاشته شود و تا شام نجس باشد، پس طاهر خواهد بود.
- ۳۳ و هر ظرف سفالین که یکی از اینها در آن بیفتد آنچه در آن است نجس باشد و آن را بشکنید.
- ۳۴ هر خوراک در آن که خورده شود، اگر آب بر آن ریخته شد نجس باشد، و هر مشروبی که آشامیده شود که در چنین ظرف است نجس باشد.
- ۳۵ و بر هر چیزی که پارهای از لاش آنها بیفتد نجس باشد، خواه تنور، خواه اجاق، شکسته شود؛ اینها نجسند و نزد شما نجس خواهند بود.

- ۳۶ و چشمه و حوض که مجمع آب باشد طهارت است لیکن هر که لاش آنها را لمس کند نجس خواهد بود.
- ۳۷ واگر پاره‌های از لاش آنها بر تخم کاشتنی که باید کاشته شود بیفتد طهارت است.
- ۳۸ لیکن اگر آب بر تخم ریخته شود و پاره‌های از لاش آنها بر آن بیفتد، این برای شما نجس باشد.
- ۳۹ واگر یکی از بهایمی که برای شما خوردنی است بمیرد، هر که لاش آن را لمس کند تا شام نجس باشد.
- ۴۰ و هر که لاش آن را بخورد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد. و هر که لاش آن را بردارد، رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد.
- «هر حشراتی که بر زمین میخزد مکروه است؛ خورده نشود.
- ۴۲ و هر چه بر شکم راه رود و هر چه بر چهارپا راه رود و هر چه پایهای زیاده دارد، یعنی همه حشراتی که بر زمین میخزند، آنها را نخورد زیرا که مکروه اند.
- ۴۳ خویشتن رابه هر حشراتی که میخزد مکروه مسازید، و خود را به آنها نجس مسازید، مباد از آنها ناپاک شوید.
- ۴۴ زیرا من یهوه خدای شما هستم، پس خود را تقدیس نمائید و مقدس باشید، زیرا من قدوس هستم پس خویشتن رابه همه حشراتی که بر زمین میخزند نجس مسازید.
- ۴۵ زیرا من یهوه هستم که شمارا از زمین مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم، پس مقدس باشید زیرا من قدوس هستم.
- ۴۶ این است قانون بهایم و مرغان و هر حیوانی که در آنها حرکت میکند و هر حیوانی که بر زمین میخزد.
- ۴۷ تا در میان نجس و طاهر و در میان حیواناتی که خورده شوند و حیواناتی که خورده نشوند امتیاز بشود.»

تطهیر مادر

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را خطاب کرده، بگو: چون زنی آبستن شده، پسر زینهای بزاید، آنگاه هفت

- روز نجس باشد، موافق ایام طمٹ حیضش نجس باشد.
- ۳ و در روز هشتم گوشت غلفه او مختون شود.
- ۴ وسی و سه روز در خون تطهیر خود بماند، و هیچ چیز مقدس را لمس ننماید، و به مکان مقدس داخل نشود، تا ایام طهرش تمام شود.
- ۵ و اگر دختری بزاید، دو هفته بر حسب مدت طمٹ خود نجس باشد، و شصت و شش روز در خون تطهیر خود بماند.
- ۶ و چون ایام طهرش برای پسر یا دختر تمام شود، برهای یک ساله برای قربانی سوختنی و جوجه کبوتر یا فاخته‌های برای قربانی نگاه به درخیمه اجتماع نزد کاهن بیاورد.
- ۷ و او آن راه به حضور خداوند خواهد گذرانید، و برایش کفاره خواهد کرد، تا از چشمه خون خود طاهر شود. این است قانون آن که بزاید، خواه پسر خواه دختر.
- ۸ و اگر دست او به قیمت بره نرسد، آنگاه دو فاخته یا دو جوجه کبوتر بگیرد، یکی برای قربانی سوختنی و دیگری برای قربانی نگاه. و کاهن برای وی کفاره خواهد کرد، و طاهر خواهد شد.»

قانون امراض پوستی

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده، گفت:

- «و ن شخصی را در پوست بدنش آماس یا قوبایا لکهای براق بشود، و آن در پوست بدنش مانند بالای برص باشد، پس او را نزد هارون کاهن یا نزدیک کسی از پسرانش که کهنه باشند بیاورند.
- ۳ و کاهن آن بلا را که در پوست بدنش باشد ملاحظه نماید. اگر مو در بلا سفید گردیده است، و نمایش بلا از پوست بدنش گود تر باشد، بالای برص است، پس کاهن او را ببیند و حکم به نجاست او بدهد.
- ۴ و اگر آن لکه براق در پوست بدنش سفید باشد، و از پوست گود تر ننماید، و موی آن سفید نگردیده، آنگاه کاهن آن مبتلا را هفت روز نگاه دارد.
- ۵ و روز هفتم کاهن او را ملاحظه نماید، و اگر آن بلا در نظرش ایستاده باشد، و بلا در پوست پهن نشده، پس کاهن او را هفت روز دیگر نگاه دارد.
- »

۶ و در روز هفتم کاهن اورا باز ملاحظه کند، و اگر بلا کم رنگ شده، و در پوست پهن نگشته است، کاهن حکم به طهارتش بدهد. آن قوبا است. رخت خود را بشوید و طاهر باشد.

۷ و اگر قوبا در پوست پهن شود بعد از آن که خود را به کاهن برای تطهیر نمود، پس بار دیگر خود را به کاهن بنماید.

۸ و کاهن ملاحظه نماید، و هر گاه قوبا در پوست پهن شده باشد، حکم به نجاست او بدهد. این برص است.

۹ و چون بالای برص در کسی باشد او را نزد کاهن بیاورند.

۱۰ و کاهن ملاحظه نماید اگر آماس سفید در پوست باشد، و موی را سفید کرده، و گوشت خام زنده در آماس باشد،

این در پوست بدنش برص مزمن است. کاهن به نجاستش حکم دهد و او را نگاه ندارد زیرا که نجس است.

۱۲ و اگر برص در پوست بسیار پهن شده باشد و برص، تمامی پوست آن مبتلا را از سر تا پا هر جایی که کاهن بنگرد، پوشانیده باشد،

پس کاهن ملاحظه نماید اگر برص تمام بدن را فرا گرفته است، به تطهیر آن مبتلا حکم دهد. چونکه همه بدنش سفید شده است، طاهر است.

۱۴ لیکن هر وقتی که گوشت زنده در او ظاهر شود، نجس خواهد بود.

۱۵ و کاهن گوشت زنده را ببیند و حکم به نجاست او بدهد. این گوشت زنده نجس است زیرا که برص است.

۱۶ و اگر گوشت زنده به سفیدی برگردد نزد کاهن بیاید.

۱۷ و کاهن او را ملاحظه کند و اگر آن بلا به سفیدی مبدل شده است، پس کاهن به طهارت آن مبتلا حکم دهد زیرا طاهر است.

« گوشتی که در پوست آن دمل باشد و شفا یابد،

و در جای دمل آماس سفید یا لکه براق سفید مایل به سرخی پدید آید، آن را به کاهن بنماید.

۲۰ و کاهن آن را ملاحظه نماید و اگر از پوست گود تر بنماید و موی آن سفید شده، پس

- کاهن به نجاست او حکم دهد. این بلای برص است که از دمل در آمده است.
- ۲۱ واگر کاهن آن را ببیند و اینک موی سفید در آن نباشد و گود تراز پوست هم نباشد و کم رنگ باشد، پس کاهن او را هفت روز نگاه دارد.
- ۲۲ واگر در پوست پهن شده، کاهن به نجاست او حکم دهد. این بلا مییابد.
- ۲۳ واگر آن لکه براق در جای خود مانده، پهن نشده باشد، این گری دمل است. پس کاهن به طهارت وی حکم دهد.
- ۲۴ یا گوشتی که در پوست آن داغ آتش باشد و از گوشت زنده آن داغ، لکه براق سفید مایل به سرخی یا سفید پدید آید، پس کاهن آن را ملاحظه نماید. اگر مودر لکه براق سفید گردیده، و گود تراز پوست بنماید این برص است که از داغ در آمده است. پس کاهن به نجاست او حکم دهد زیر بلای برص است.
- ۲۵ واگر کاهن آن را ملاحظه نماید و اینک در لکه براق موی سفید نباشد و گود تراز پوست نباشد و کم رنگ باشد، کاهن او را هفت روز نگاه دارد.
- ۲۶ و در روز هفتم کاهن او را ملاحظه نماید. اگر در پوست پهن شده، کاهن به نجاست وی حکم دهد. این بلای برص است.
- ۲۷ واگر لکه براق در جای خود مانده، در پوست پهن نشده باشد و کم رنگ باشد، این آماس داغ است. پس کاهن به طهارت وی حکم دهد. این گری داغ است. «چون مرد یازن، بلایی در سر یا در زنج داشته باشد، کاهن آن بلا را ملاحظه نماید. اگر گود تراز پوست بنماید و موی زرد باریک در آن باشد، پس کاهن به نجاست او حکم دهد. این سعفه یعنی برص سر یا زنج است.
- ۲۸ و چون کاهن بلای سعفه را ببیند، اگر گود تراز پوست بنماید و موی سیاه در آن نباشد، پس کاهن آن مبتلای سعفه را هفت روز نگاه دارد.
- ۲۹ و در روز هفتم کاهن آن بلا را ملاحظه نماید. اگر سعفه پهن نشده، و موی زرد در آن نباشد و سعفه گود تراز پوست بنماید،

آنگاه موی خود را بتراند لیکن سعه را نتراند و کاهن آن مبتلای سعه را با زهفت روز نگاه دارد.

۳۴ و در روز هفتم کاهن سعه را ملاحظه نماید. اگر سعه در پوست پهن نشده، و از پوست گود تر ننماید، پس کاهن حکم به طهارت وی دهد و او رخت خود را بشوید و طاهر باشد.

۳۵ لیکن اگر بعد از حکم به طهارت سعه در پوست پهن شود،

پس کاهن او را ملاحظه نماید. اگر سعه در پوست پهن شده باشد، کاهن موی زرد را نجوید، و نجس است.

۳۷ اما اگر در نظرش سعه ایستاده باشد، و موی سیاه از آن درآمده، پس سعه شفا یافته است. او طاهر است و کاهن حکم به طهارت وی بدهد.

«چون مردی از پوست بدن خود لکه های براق یعنی لکه های براق سفید داشته باشد، کاهن ملاحظه نماید. اگر لکه ها در پوست بدن ایشان کم رنگ و سفید باشد، این بهیق است که از پوست درآمده. او طاهر است.

۴۰ و کسیکه موی سر او ریخته باشد، و اقرع است، و طاهر می باشد.

۴۱ و کسیکه موی سر او از طرف پیشانی ریخته باشد، و اصلع است، و طاهر می باشد.

۴۲ و اگر در سر کل او یا پیشانی کل او سفید مایل به سرخی باشد، آن برص است که از سر کل او یا پیشانی کل او درآمده است.

۴۳ پس کاهن او را ملاحظه کند. اگر آماس آن بلا در سر کل او یا پیشانی کل او سفید مایل به سرخی، مانند برص در پوست بدن باشد، او مبروص است، و نجس می باشد. کاهن البته حکم به نجاست وی بدهد. بلای وی در سرش است.

۴۵ و اما مبروص که این بلا را دارد، گریبان او چاک شده، و موی سر او گشاده، و شارب های او پوشیده شود، و ندا کند نجس نجس.

۴۶ و همه روزهایی که بلا دارد، البته نجس خواهد بود، و تنها بماند و مسکن او بیرون لشکرگاه باشد.

قانون برص

«رختی که بالای برص داشته باشد، خواه رخت پشمین خواه رخت پنبهای، خواه در تار و خواه در پود، چه از پشم و چه از پنبه و چه از چرم، یا از هر چیزی که از چرم ساخته شود،

اگر آن بلا مایل به سبزی یا به سرخی باشد، در رخت یا در چرم، خواه در تار خواه در پود یا در هر ظرف چرمی، این بالای برص است. به کاهن نشان داده شود.

۵۰ و کاهن آن بلا را ملاحظه نماید و آن چیزی را که بلا دارد هفت روز نگاه دارد.

۵۱ و آن چیزی را که بلا دارد، در روز هفتم ملاحظه کند. اگر آن بلا در رخت پهن شده باشد، خواه در تار خواه در پود، یا در چرم در هر کاری که چرم برای آن استعمال میشود، این برص مفسد است و آن چیز نجس میباشد.

۵۲ پس آن رخت را بسوزاند، چه تار و چه پود، خواه در پشم خواه در پنبه، یا در هر ظرف چرمی که بلا در آن باشد، زیر برص مفسد است. به آتش سوخته شود.

۵۳ اما چون کاهن آن را ملاحظه کند، اگر بلا در رخت، خواه در تار خواه در پود، یا در هر ظرف چرمی پهن نشده باشد،

پس کاهن امر فرماید تا آنچه را که بلا دارد بشویند، و آن را هفت روز دیگر نگاه دارد.

۵۵ و بعد از شستن آن چیز که بلا دارد کاهن ملاحظه نماید. اگر رنگ آن بلا تبدیل نشده، هر چند بلا هم پهن نشده باشد، این نجس است. آن را به آتش بسوزان. این خوره است، خواه فرسودگی آن در درون باشد یا در بیرون.

۵۶ و چون کاهن ملاحظه نماید، اگر بلا بعد از شستن آن کم رنگ شده باشد، پس آن را از رخت یا از چرم خواه از تار خواه از پود، پاره کند.

۵۷ و اگر بلا در آن رخت خواه در تار خواه در پود، یا در هر ظرف چرمی ظاهر شود، این بر آمدن برص است. آنچه را که بلا دارد به آتش بسوزان.

۵۸ و آن رخت خواه تار و خواه پود، یا هر ظرف چرمی را که شستهای و بلا از آن رفع شده باشد، دوباره شسته شود و ظاهر خواهد بود.»

این است قانون بالای برص در رخت پشمین یا پنبهای خواه در تار خواه در پود، یا در هر ظرف چرمی برای حکم به طهارت یا نجاست آن.

قانون تطهیر مبروص

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«این است قانون مبروص: در روز تطهیرش نزد کاهن آورده شود.

۳ و کاهن بیرون لشکر گاه برود و کاهن ملاحظه کند. اگر بالای برص از مبروص رفع شده باشد،

کاهن حکم بدهد که برای آن کسیکه باید تطهیر شود، دو گنجشک زنده طاهر، و چوب ارزو قرمز و زوفابگیرند.

۵ و کاهن امر کند که یک گنجشک را در ظرف سفالین بر بالای آب روان بکشند.

۶ و اما گنجشک زنده را با چوب ارزو قرمز و زوفابگیرد و آنها را با گنجشک زنده به خون گنجشکی که بر آب روان کشته شده، فرورد.

۷ و بر کسیکه از برص باید تطهیر شود هفت مرتبه پاشد، و حکم به طهارتش بدهد. و گنجشک زنده را به سوی صحراها کند.

۸ و آن کس که باید تطهیر شود رخت خود را بشوید، و تمامی موی خود را بتراشد، و به آب غسل کند، و طاهر خواهد شد. و بعد از آن به لشکر گاه داخل شود، لیکن تا هفت روز بیرون خیمه خود بماند.

۹ و در روز هفتم تمامی موی خود را بتراشد از سروریش و آبروی خود، یعنی تمامی موی خود را بتراشد و رخت خود را بشوید و بدن خود را به آب غسل دهد. پس طاهر خواهد بود.

«در روز هشتم دوره نرینه بیعیب، و یک بره ماده یک ساله بیعیب، و سه عشر آرد نرم سرشته شده به روغن، برای هدیه آردی، و یک لجر و روغن بگیرد.

۱۱ و آن کاهن که او را تطهیر میکند، آن کس را که باید تطهیر شود، با این چیزها به حضور خداوند نزد در خیمه اجتماع حاضر کند.

۱۲ و کاهن یکی از بره های نرینه را گرفته، آن را با آن لجر و روغن برای قربانی جرم بگذراند. و آنها را برای هدیه جنبانیدنی به حضور خداوند بجنانند.

۱۳ و بره را در جایی که قربانی گاه و قربانی سوختنی را ذبح میکنند، در مکان مقدس

ذبح کند، زیر اقبانی جرم مثل قربانی نگاه از آن کاهن است. این قدس اقداس است.

۱۴ و کاهن از خون قربانی جرم بگیرد، و کاهن آن را بر نومه گوش راست کسیکه باید تطهیر شود، و بر شست دست راست و بر شست پای راست وی بمالد.

۱۵ و کاهن قدری از لجر و روغن گرفته، آن را در کف دست چپ خود بریزد.

۱۶ و کاهن انگشت راست خود را به روغنی که در کف چپ خود دارد فروبرد، و هفت مرتبه روغن را به حضور خداوند بپاشد.

۱۷ و کاهن از باقی روغن که در کف وی است بر نومه گوش راست و بر شست دست راست و بر شست پای راست آن کس که باید تطهیر شود، بالای خون قربانی جرم بمالد.

۱۸ و بقیه روغن را که در کف کاهن است بر سر آن کس که باید تطهیر شود بمالد و کاهن برای وی به حضور خداوند کفاره خواهد نمود.

۱۹ و کاهن قربانی نگاه را بگذراند، و برای آن کس که باید تطهیر شود نجاست او را کفاره نماید. و بعد از آن قربانی سوختنی را ذبح کند.

۲۰ و کاهن قربانی سوختنی و هدیه آردی را بر مذبح بگذراند، و برای وی کفاره خواهد کرد، و طاهر خواهد بود.

۲۱ و اگر او فقیر باشد و دستش به اینها نرسد، پس یک بره نرینه برای قربانی جرم تا جنبانیده شود و برای وی کفاره کند، بگیرد و یک عشر از آرد نرم سرشته شده به روغن برای هدیه آردی و یک لجر روغن،

و دو فاخته یاد و جوجه کبوتر، آنچه دستش به آن برسد، و یکی قربانی نگاه و دیگری قربانی سوختنی بشود.

«در روز هشتم آنها را نزد کاهن به درخیمه اجتماع برای طهارت خود به حضور خداوند بیاورد.

۲۴ و کاهن بره قربانی جرم و لجر روغن را بگیرد و کاهن آنها را برای هدیه جنبانیدنی به حضور خداوند بچنانند.

۲۵ و قربانی جرم را ذبح نماید و کاهن از خون قربانی جرم گرفته، بر نومه گوش راست و شست دست راست و شست پای راست کسیکه تطهیر می شود بمالد.

- ۲۶ و کاهن قدری از روغن رابه کف دست چپ خود بریزد.
- ۲۷ و کاهن از روغنی که در دست چپ خود دارد، به انگشت راست خود هفت مرتبه به حضور خداوند پیاشد.
- ۲۸ و کاهن از روغنی که در دست دارد بر نزمه گوش راست و بر شست دست راست و بر شست پای راست کسبیکه تطهیر میشود، بر جای خون قربانی جرم بمالد.
- ۲۹ و بقیه روغنی که در دست کاهن است آن را بر سر کسبیکه تطهیر میشود بمالد تا برای وی به حضور خداوند کفاره کند.
- ۳۰ و یکی از دو فاخته یا از دو جوجه کبوتر را از آنچه دستش به آن رسیده باشد بگذراند.
- ۳۱ یعنی هر آنچه دست وی به آن برسد، یکی را برای قربانی نگاه و دیگری را برای قربانی سوختن با هدی آردی. و کاهن برای کسبیکه تطهیر میشود به حضور خداوند کفاره خواهد کرد.»
- این است قانون کسبیکه بلای برص دارد، و دست وی به تطهیر خود نمی رسد.

تطهیر بلای برص

- و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده، گفت:
- «ون به زمین کنعان که من آن رابه شمایه ملکیت میدهم داخل شوید، و بلای برص را در خانهای از زمین ملک شما عارض گردانم،
- آنگاه صاحبخانه آمده، کاهن را اطلاع داده، بگوید که مرا به نظر میآید که مثل بلاد در خانه است.
- ۳۶ و کاهن امر فرماید تا قبل از داخل شدن کاهن برای دیدن بلا، خانه را خالی کنند، مباد آنچه در خانه است نجس شود، و بعد از آن کاهن برای دیدن خانه داخل شود، و بلا را ملاحظه نماید. اگر بلا در دیوارهای خانه از خطهای مایل به سبزی یا سرخی باشد، و از سطح دیوار گود تر بنماید،
- پس کاهن از خانه نزد در بیرون رود و خانه را هفت روز ببندد.
- ۳۹ و در روز هفتم کاهن باز بیاید و ملاحظه نماید اگر بلا در دیوارهای خانه پهن شده باشد،
- آنگاه کاهن امر فرماید تا سنگهایی را که بلا در آنهاست کنده، آنها را به جای ناپاک بیرون شهر ببندازند.

- ۴۱ واندرون خانه را از هر طرف بتراشند و خاکي را که تراشیده باشند به جای ناپاک بیرون شهر بریزند.
- ۴۲ و سنگهای دیگر گرفته، به جای آن سنگها بگذارند و خاک دیگر گرفته، خانه را اندود کنند.
- ۴۳ و اگر بلا برگردد دو بعد از کندن سنگها و تراشیدن و اندود کردن خانه باز در خانه بروز کند، پس کاهن بیاید و ملاحظه نماید. اگر بلا در خانه پهن شده باشد این برص مفسد در خانه است و آن نجس است.
- ۴۵ پس خانه را خراب کند با سنگهایش و چوبش و تمامی خاک خانه و به جای ناپاک بیرون شهر بیندازند.
- ۴۶ و هر که داخل خانه شود در تمام روزهایی که بسته باشد تا شام نجس خواهد بود.
- ۴۷ و هر که در خانه بخوابد رخت خود را بشوید و هر که در خانه چیزی خورد، رخت خود را بشوید.
- ۴۸ و چون کاهن بیاید و ملاحظه نماید اگر بعد از اندود کردن خانه بلا در خانه پهن نشده باشد، پس کاهن حکم به طهارت خانه بدهد، زیرا بالا رفع شده است.
- ۴۹ و برای تطهیر خانه دو گنجشک و چوب ارز و قمرمز و زوفابگیرد.
- ۵۰ و یک گنجشک را در ظرف سفالین بر آب روان ذبح نماید، و چوب ارز و زوفامرز و گنجشک زنده را گرفته، آنها را به خون گنجشک ذبح شده و آب روان فرورد، و هفت مرتبه بر خانه پیاشد.
- ۵۲ و خانه را به خون گنجشک و به آب روان و به گنجشک زنده و به چوب ارز و زوفامرز و قمرمز تطهیر نماید.
- ۵۳ و گنجشک زنده را بیرون شهر به سوی صحراها کند، و خانه را کفاره نماید و طاهر خواهد بود.»
- این است قانون، برای هر بلای برص و برای سعفه، و برای برص رخت و خانه، و برای آماس و قوبا و لکه براق.
- ۵۷ و برای تعلیم دادن که چه وقت نجس میباشد و چه وقت طاهر. این قانون برص است.

جریان نجس

- و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده، گفت:
- «نیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگویند: مردی که جریان از بدن خود دارد او به سبب جریانش نجس است.»
- ۳ و این است نجاستش، به سبب جریان او، خواه جریانش از گوشتش روان باشد خواه جریانش از گوشتش بسته باشد. این نجاست اوست.
- ۴ هر بستری که صاحب جریان بر آن بخوابد نجس است، و هر چه بر آن بنشیند نجس است.
- ۵ و هر که بستر او را لمس نماید، رخت خود را بشوید، و به آب غسل کند، و تا شام نجس باشد.
- ۶ و هر که بنشیند بر هر چه صاحب جریان بر آن نشسته بود، رخت خود را بشوید و به آب غسل کند، و تا شام نجس باشد.
- ۷ و هر که بدن صاحب جریان را لمس کند رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد.
- ۸ و اگر صاحب جریان، بر شخص طاهر آب دهن اندازد، آن کس رخت خود را بشوید، و به آب غسل کند، و تا شام نجس باشد.
- ۹ و هر زینی که صاحب جریان بر آن سوار شود، نجس باشد.
- ۱۰ و هر که چیزی را که زیر او بوده باشد لمس نماید تا شام نجس بوده، و هر که این چیزها را بردارد، رخت خود را بشوید، و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد.
- ۱۱ و هر کسی را که صاحب جریان لمس نماید، و دست خود را به آب نشسته باشد، رخت خود را بشوید، و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد.
- ۱۲ و ظرف سفالین که صاحب جریان آن را لمس نماید، شکسته شود، و هر ظرف چوبین به آب شسته شود.
- ۱۳ و چون صاحب جریان از جریان خود طاهر شده باشد، آنگاه هفت روز برای تطهیر خود بشمارد، و رخت خود را بشوید و بدن خود را به آب غسل دهد و طاهر باشد.
- ۱۴ و در روز هشتم دو فاخته یا دو جوجه کبوتر بگیرد، و به حضور خداوند به درخیمه

اجتماع آمده، آنها را به کاهن بدهد.

- ۱۵ و کاهن آنها را بگذراند، یکی برای قربانی نگاه و دیگری برای قربانی سوختنی. و کاهن برای وی به حضور خداوند جریانش را کفاره خواهد کرد.
- ۱۶ و چون منی از کسی درآید تمامی بدن خود را به آب غسل دهد، و تا شام نجس باشد.
- ۱۷ و هر رخت و هر چرمی که منی بر آن باشد به آب شسته شود، و تا شام نجس باشد.
- ۱۸ و هر زنی که مرد با او بخوابد و انزال کند، به آب غسل کنند و تا شام نجس باشند.
- «اگر زنی جریان دارد، و جریانی که در بدنش است خون باشد، هفت روز در حیض خود بماند. و هر که او را لمس نماید، تا شام نجس باشد.
- ۲۰ و هر چه چیزی که در حیض خود بخوابد نجس باشد، و هر چه چیزی که بنشینند نجس باشد.
- ۲۱ و هر که بستر او را لمس کند، رخت خود را بشوید، و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد.
- ۲۲ و هر که چیزی را که او بر آن نشسته بود لمس نماید رخت خود را بشوید، و به آب غسل کند، و تا شام نجس باشد.
- ۲۳ و اگر آن بر بستر باشد یا بر هر چیزی که او بر آن نشسته بود، چون آن چیز را لمس کند تا شام نجس باشد.
- ۲۴ و اگر مردی با او هم بستر شود و حیض او بر وی باشد تا هفت روز نجس خواهد بود. و هر بستری که بر آن بخوابد نجس خواهد بود.
- ۲۵ و زنی که روزهای بسیار، غیر از زمان حیض خود جریان خون دارد، یا زیاد از زمان حیض خود جریان دارد، تمامی روزهای جریان نجاستش مثل روزهای حیضش خواهد بود. او نجس است.
- ۲۶ و هر بستری که در روزهای جریان خود بر آن بخوابد، مثل بستر حیضش برای وی خواهد بود. و هر چیزی که بر آن بنشیند مثل نجاست حیضش نجس خواهد بود.
- ۲۷ و هر که این چیزها را لمس نماید نجس می‌باشد. پس رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد.
- ۲۸ و اگر از جریان خود ظاهر شده باشد، هفت روز برای خود بشمارد، و بعد از آن

ظاهر خواهد بود.

۲۹ و در روز هشتم دو فاخته یاد و جوجه کبوتر بگیرد، و آنها را نزد کاهن به درخیمه اجتماع بیاورد.

۳۰ و کاهن یکی را برای قربانی نگاه و دیگری را برای قربانی سوختنی بگذراند. و کاهن برای وی نجاست جریانش را به حضور خداوند کفاره کند.

۳۱ پس بنیاسرائیل را از نجاست ایشان جدا خواهید کرد، مبادا مسکن مرا که در میان ایشان است نجس سازند و در نجاست خود بمیرند.»

این است قانون کسبیکه جریان دارد، و کسبیکه منی از وی درآید و آن نجس شده باشد.

۳۳ و حیاض در حیضش و هر که جریان دارد خواه مرد خواه زن، و مردی که بازن نجس همبستر شود.

روز کفاره

و خداوند موسی را بعد از مردن دو پسر هارون، وقتی که نزد خداوند آمدند و مردند خطاب کرده، گفت:

«س خداوند به موسی گفت: برادر خود هارون را بگو که به قدس درون حجاب پیش کرسی رحمت که بر تابوت است همه وقت داخل نشود، مبادا بمیرد، زیرا که در برابر کرسی رحمت ظاهر خواهد شد.

۳ و با این چیزها هارون داخل قدس بشود، با گوساله‌های برای قربانی نگاه، و قوچی برای قربانی سوختنی.

۴ و پیراهن گنجان مقدس را بپوشد، و زیر جامه گنجان بریدنش باشد، و به کمر بند گنجان بسته شود، و به عمامه گنجان معمّم باشد. اینهارخت مقدس است. پس بدن خود را به آب غسل داده، آنها را بپوشد.

۵ و از جماعت بنیاسرائیل دو بزرگترین را برای قربانی نگاه، و یک قوچ برای قربانی سوختنی بگیرد.

۶ و هارون گوساله قربانی نگاه را که برای خود اوست بگذراند، و برای خود و اهل خانه خود کفاره نماید.

۷ و دو بزرگترین را به حضور خداوند به درخیمه اجتماع حاضر سازد.

۸ و هارون بر آن دو بز قرعه اندازد، یک قرعه برای خداوند و یک قرعه برای عزازیل.
 ۹ و هارون بزى را که قرعه برای خداوند بر آن برآمد نزدیک بیاورد، و بجهت قربانی گاه بگذراند.

۱۰ و بزى که قرعه برای عزازیل بر آن برآمد به حضور خداوند زنده حاضر شود، و بر آن کفاره نماید و آن را برای عزازیل به صحرا بفرستد.
 «هارون گاو قربانی گاه را که برای خود اوست نزدیک بیاورد، و برای خود و اهل خانه خود کفاره نماید، و گاو قربانی گاه را که برای خود اوست ذبح کند.

۱۲ و جحرى پرازغال آتش از روی مذبح که به حضور خداوند است و دو مشت پراز بخور معطر کوبیده شده برداشته، به اندرون حجاب بیاورد.
 ۱۳ و بخور را بر آتش به حضور خداوند بنهد تا بر بخور کرسی رحمت را که بر تابوت شهادت است پیوشاند، مبادا بمیرد.

۱۴ و از خون گاو گرفته، بر کرسی رحمت به انگشت خود به طرف مشرق پیاشد، و قدری از خون را پیش روی کرسی رحمت هفت مرتبه پیاشد.
 ۱۵ پس بز قربانی گاه را که برای قوم است ذبح نماید، و خوش را به اندرون حجاب بیاورد، و باخوش چنانکه باخون گاو عمل کرده بود عمل کند، و آن را بر کرسی رحمت و پیش روی کرسی رحمت پیاشد.

۱۶ و برای قدس کفاره نماید بهسبب نجاسات بنیاسرائیل، و بهسبب تقصیرهای ایشان با تمامی گاهان ایشان، و برای خیمه اجتماع که با ایشان در میان نجاسات ایشان ساکن است، همچنین بکند.

۱۷ و هیچکس در خیمه اجتماع نباشد، و از وقتی که برای کردن کفاره داخل قدس بشود تا وقتی که بیرون آید، پس برای خود و برای اهل خانه خود و برای تمامی جماعت اسرائیل کفاره خواهد کرد.

۱۸ پس نزد مذبح که به حضور خداوند است بیرون آید، و برای آن کفاره نماید، و از خون گاو و از خون بز گرفته، آن را بر شاخه های مذبح بهر طرف پیاشد.

۱۹ و قدری از خون را به انگشت خود هفت مرتبه بر آن پیاشد و آن را تطهیر کند، و آن را از نجاسات بنیاسرائیل تقدیس نماید.

«چون از کفاره نمودن برای قدس و برای خیمه اجتماع و برای مذبح فارغ شود، آنگاه بزرگواران نزدیک بیاورد.

۲۱ و هارون دودست خود را بر سر بزرگواران بنهد، و همه خطایای بنیاسرائیل و همه تقصیرهای ایشان را با همه گناهان ایشان اعتراف نماید، و آنها را بر سر بزرگواران را بهدست شخص حاضر به صحرا بفرستد.

۲۲ و بزرگواران را به زمین ویران بر خود خواهد برد. پس بزرگواران صحرا را کند.

۲۳ و هارون به خیمه اجتماع داخل شود، و رخت گان را که در وقت داخل شدن به قدس پوشیده بود بیرون کرده، آنها را در آنجا بگذارد.

۲۴ و بدن خود را در جای مقدس به آب غسل دهد، و رخت خود را پوشیده، بیرون آید، و قربانی سوختنی خود و قربانی سوختنی قوم را بگذراند، و برای خود و برای قوم کفاره نماید.

۲۵ و پیه قربانی گناه را بر مذبح بسوزاند.

۲۶ و آنکه بزرگواران عزاییل را در رخت خود را بشوید و بدن خود را به آب غسل دهد، و بعد از آن به لشکرگاه داخل شود.

۲۷ و گاو قربانی گناه و بز قربانی گناه را که خون آنها به قدس برای کردن کفاره آورده شد، بیرون لشکرگاه برده شود، و پوست و گوشت و سرگین آنها را به آتش بسوزانند.

۲۸ و آنکه آنها را سوزانید رخت خود را بشوید و بدن خود را به آب غسل دهد، و بعد از آن به لشکرگاه داخل شود.

«این برای شما فریضه دائمی باشد، که در روز دهم از ماه هفتم جانهای خود را ذلیل سازید، و هیچ کار نکنید، خواه متوطن خواه غریبی که در میان شما ما و گزیده باشد.

۳۰ زیرا که در آن روز کفاره برای تطهیر شما کرده خواهد شد، و از جمیع گناهان خود به حضور خداوند طاهر خواهید شد.

۳۱ این سبت آرامی برای شماست، پس جانهای خود را ذلیل سازید. این است فریضه دائمی.

۳۲ و کاهنی که مسح شده، و تخصیص شده باشد، تا در جای پدر خود کهانت نماید کفاره را بنماید. و رختهای گان یعنی رختهای مقدس را بپوشد.

۳۳ و برای قدس مقدس کفاره نماید، و برای خیمه اجتماع و مذبح کفاره نماید، و برای کهنه و تمامی جماعت قوم کفاره نماید.

۳۴ و این برای شما فریضه دائمی خواهد بود تا برای بنیاسرائیل از تمامی نگاهان ایشان یک مرتبه هر سال کفاره شود.» پس چنانکه خداوند موسی را امر فرمود، همچنان بعمل آورد.

اهمیت خون

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ارون و پسرانش و جمیع بنیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: این است کاری که خداوند میفرماید و میگوید:

هر شخصی از خاندان اسرائیل که گاو یا گوسفند یا بز در لشکرگاه ذبح نماید، یا آنکه بیرون لشکرگاه ذبح نماید،

و آن را به در خیمه اجتماع نیاورد، تا قربانی برای خداوند پیش مسکن خداوند بگذراند، بر آن شخص خون محسوب خواهد شد. او خون ریخته است و آن شخص از قوم خود منقطع خواهد شد.

۵ تا آنکه بنیاسرائیل ذبایح خود را که در صحرا ذبح میکنند بیاورند، یعنی برای خداوند به در خیمه اجتماع نزد کاهن آنها بیاورند، و آنها را بجهت ذبایح سلامتی برای خداوند ذبح نمایند.

۶ و کاهن خون را بر مذبح خداوند نزد در خیمه اجتماع پاشد، و پیه را بسوزاند تا عطر خوشبو برای خداوند شود.

۷ و بعد از این، ذبایح خود را برای دیوهایی که در عقب آنها زنا میکنند دیگر ذبح نمایند. این برای ایشان در پشت‌های ایشان فریضه دائمی خواهد بود.

«ایشان را بگو: هر کس از خاندان اسرائیل و از غریبانی که در میان شما ما و آگزیبند که قربانی سوختنی یا ذبیحه بگذراند،

و آن را به در خیمه اجتماع نیاورد، تا آن را برای خداوند بگذراند. آن شخص از قوم خود منقطع خواهد شد.

۱۰ و هر کس از خاندان اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما ما وا گزینند که هر قسم خون را بخورد، من روی خود را بر آن شخصی که خون خورده باشد برمی گردانم، و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت.

۱۱ زیرا که جان جسد در خون است، و من آن را بر مذبح به شما دادام تا برای جانهای شما کفاره کند، زیرا خون است که برای جان کفاره میکند.

۱۲ بنابراین بنیاسرائیل را گفتم: هیچکس از شما خون نخورد و غریبی که در میان شما ما وا گزیند خون نخورد.

۱۳ و هر شخص از بنیاسرائیل یا از غریبانی که در میان شما ما وا گزینند، که هر جانور یا مرغی را که خورده میشود صید کند، پس خون آن را بریزد و به خاک پاشد.

۱۴ زیرا جان هر ذی جسد خون آن و جان آن یکی است، پس بنیاسرائیل را گفتم خون هیچ ذی جسد را نخورید، زیرا جان هر ذی جسد خون آن است، هر که آن را بخورد منقطع خواهد شد.

۱۵ و هر کسی از متوطنان یا از غریبانی که میتهداریده شده‌های بخورد، رخت خود را بشوید، و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد. پس طاهر خواهد شد.

۱۶ و اگر آن را نشوید و بدن خود را غسل ندهد، متحمل گناه خود خواهد بود.»

روابط نامشروع

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«بنیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: من یهوه خدای شما هستم.

۳ مثل اعمال زمین مصر که در آن ساکن میبودید عمل ننمایید، و مثل اعمال زمین کنعان که من شما را به آنجا داخل خواهم کرد عمل ننمایید، و بر حسب فریض ایشان رفتار نکنید.

۴ احکام را بجا آورید و فریض مرا نگاه دارید تا در آنهار رفتار نمائید، من یهوه خدای شما هستم.

۵ پس فریض و احکام مرا نگاه دارید، که هر آدمی که آنها را بجا آورد در آنها زیست خواهد کرد، من یهوه هستم.

۶ هیچکس به احدی از اقربای خویش نزدیکی ننماید تا کشف عورت او بکند. من یهوه هستم.

۷ عورت پدر خود یعنی مادر خود را کشف منما؛ او مادر توست. کشف عورت او ممکن.

۸ عورت زن پدر خود را کشف مکن. آن عورت پدر تو است.

۹ عورت خواهر خود، خواه دختر پدرت، خواه دختر مادرت چه مولود در خانه، چه مولود بیرون، عورت ایشان را کشف منما.

۱۰ عورت دختر پسر و دختر دخترت، عورت ایشان را کشف مکن، زیرا که اینها عورت تو است.

۱۱ عورت دختر زن پدرت که از پدر تو زاییده شده باشد، او خواهر تو است کشف عورت او را مکن.

۱۲ عورت خواهر پدر خود را کشف مکن، او از اقربای پدر تو است.

۱۳ عورت خواهر مادر خود را کشف مکن، او از اقربای مادر تو است.

۱۴ عورت برادر پدر خود را کشف مکن، و به زن او نزدیکی منما. او (همه) منزله (عمه) تو است.

۱۵ عورت عروس خود را کشف مکن، او زن پسر تو است. عورت او را کشف مکن.

۱۶ عورت زن برادر خود را کشف مکن. آن عورت برادر تو است.

۱۷ عورت زنی را با دخترش کشف مکن. و دختر پسر او با دختر دختر او را مگیر، تا عورت او را کشف کنی. اینان از اقربای او میباشند و این فجور است.

۱۸ وزنی را با خواهرش مگیر، تاهوی او بشود، و تا عورت او را با وی مادامی که او زنده است، کشف نمایی.

۱۹ و به زنی در نجاست حیضش نزدیکی منما، تا عورت او را کشف کنی.

۲۰ و با زن همسایه خود همبستر مشو، تا خود را با وی نجس سازی.

۲۱ و کسی از ذریت خود را برای مولک از آتش مگذران و نام خدای خود را بچرمت مساز. من یهوه هستم.

۲۲ و با ذکور مثل زن جماع مکن، زیرا که این فجور است.

۲۳ و با هیچ بهیمهای جماع مکن، تا خود را به آن نجس سازی، و زنی پیش بهیمهای

نایستد تا با آن جماع کند، زیرا که این فجور است.

«ههیچ کدام از اینها خویشتن را نجس مسازید، زیرا به همه اینها امتهایی که من پیش روی شما بیرون می‌کنم، نجس شده‌اند.

۲۵ وزمین نجس شده است، و انتقام گناهش را از آن خواهم کشید، وزمین ساکنان خود راقی خواهد نمود.

۲۶ پس شما فریض واحکام مرا نگاه دارید، وهیچ کدام از این فجور را به عمل نیاورید، نه متوطن ونه غریبی که در میان شما ماوا گیرند.

۲۷ زیرا مردمان آن زمین که قبل از شما بودند، جمیع این فجور را کردند، وزمین نجس شده است.

۲۸ مبادا زمین شمارا نیز قی کند، اگر آن را نجس سازید، چنانکه امتهایی را که قبل از شما بودند، قی کرده است.

۲۹ زیرا هر کسی که یکی از این فجور را بکند، همه کسانی که کرده باشند، از میان قوم خود منقطع خواهند شد.

۳۰ پس وصیت مرا نگاه دارید، واز این رسوم زشت که قبل از شما به عمل آورده شده است عمل ننمایید، و خود را به آنها نجس مسازید. من یهوه خدای شما هستم.»

قوانین مختلف

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«مأمی جماعت بنیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: مقدس باشید، زیرا که من یهوه خدای شما قدوس هستم.

۳ هر یکی از شما مرد و پسر خود را احترام نماید و سبت های مرا نگاه دارید، من یهوه خدای شما هستم.

۴ به سوی بتها میل نکنید، و خدا یان ریخته شده برای خود مسازید. من یهوه خدای شما هستم.

۵ و چون ذبیحه سلامتی نزد خداوند بگذرانید، آن را بگذرانید تا مقبول شوید، در روزی که آن را ذبح نمایید. و در فردای آن روز خورده شود، و اگر چیزی از آن تا

روز سوم بماند به آتش سوخته شود.

۷ واگرد روز سوم خورده شود، مکروه میباشد، مقبول نخواهد شد.

۸ و هر که آن را بخورد، متحمل گناه خود خواهد بود، زیرا چیز مقدس خداوند را بخرمت کرده است، آن کس از قوم خود را منقطع خواهد شد.

« چون حاصل زمین خود را درو کنید، گوشه های مزرعه خود را تمام نکنید، و محصول خود را خوشه چینی نکنید.

۱۰ و تا کستان خود را دانه چینی منما، و خوشه های ریخته شده تا کستان خود را بر مچین، آنهارا برای فقیر و غریب بگذار، من یهوه خدای شما هستم.

۱۱ دزدی نکنید، و مکر ننمایید، و بایکدیگر دروغ مگوید.

۱۲ و به نام من قسم دروغ نخورید، که نام خدای خود را بخرمت نموده باشی، من یهوه هستم.

۱۳ مال همسایه خود را غصب منما، و ستم مکن، و مزد درو نزد تو تصحیح نماند.

۱۴ کرالعت مکن، و پیش روی کورسنگ لغزش مگذار، و از خدای خود بترس، من یهوه هستم.

۱۵ درد اوری بیانصافی مکن، و فقیر را طرفداری منما، و بزرگ را محترم مدار، و در باره همسایه خود به انصاف د اوری بکن؛

در میان قوم خود برای سخن چینی گردش مکن، و بر خون همسایه خود مایست. من یهوه هستم.

۱۷ برادر خود را در دل خود بغض منما، البته همسایه خود را تنبیه کن، و به سبب او متحمل گناه مباش.

۱۸ از بنای قوم خود انتقام مگیر، و کینه مورز، و همسایه خود را مثل خویشان محبت نما. من یهوه هستم.

۱۹ فرایض مرا نگاه دارید. بهیمه خود را با غیر جنس به جماع و امدا، و مزرعه خود را به دو قسم تخم مکار، و رخت از دو قسم بافته شده در بر خود مکن.

۲۰ و مردی که با زنی همبستر شود و آن زن کنیز و نامزد کسی باشد، اما فایده نداده شده،

ونه آزادی به او بخشیده، ایشان را سیاست باید کرد، لیکن کشته نشوند زیرا که او آزاد نبود.

۲۱ و مرد برای قربانی جرم خود قوچ قربانی جرم را نزد خداوند به درخیمه اجتماع بیاورد.

۲۲ و کاهن برای وی به قوچ قربانی جرم را نزد خداوند نگاهش را که کرده است کفاره خواهد کرد، و او از گاهی که کرده است آمرزیده خواهد شد.

« چون به آن زمین داخل شدید و هر قسم درخت را برای خوراک نشانید، پس میوه آن را مثل نامحنتونی آن بشمارید، سه سال برای شما نامحنتون باشد؛ خورده نشود.

۲۴ و در سال چهارم همه میوه آن برای تجید خداوند مقدس خواهد بود.

۲۵ و در سال پنجم میوه آن را بخورید تا محصول خود را برای شما زیاده کند. من یهوه خدای شما هستم.

۲۶ هیچ چیز را با خون مخورید و تفال مزید و شگون مکنید.

۲۷ گوشه های سر خود را تراشید، و گوشه های ریش خود را چینید.

۲۸ بدن خود را بجهت مرده مجروح مسازید، و هیچ نشان بر خود داغ مکنید. من یهوه هستم.

۲۹ دختر خود را ببعصمت مساز، و او را به فاحشگی و امدار، مباد از مین مرتکب زنا شود و زمین پر از فجور گردد.

۳۰ سبت های مرا نگاه دارید، و مکان مقدس مرا محترم دارید. من یهوه هستم.

۳۱ به اصحاب اجنه توجه مکنید، و از جادوگران پرسش ننمایید، تا خود را به ایشان نجس سازید. من یهوه خدای شما هستم.

۳۲ در پیش ریش سفید برخیز، و روی مرد پیر را محترم دار، و از خدای خود بترس. من یهوه هستم.

و چون غریبی را تو در زمین شما ماوا گزیند، او را میازارید.

۳۴ غریبی که در میان شما ماوا گزیند، مثل متوطن از شما باشد. و او را مثل خود محبت نما، زیرا که شما در زمین مصر غریب بودید. من یهوه خدای شما هستم.

۳۵ در عدل هیچ بیانصافی مکنید، یعنی در پیمایش یا در وزن یا در پیمانه.

۳۶ ترازوهای راست و سنگهای راست و ایفه راست و هین راست بدارید. من یهوه خدای شما هستم که شمار از زمین مصر بیرون آوردم.
 ۳۷ پس جمیع فرایض مرا و احکام مرا نگاه دارید و آنها را بجا آورید. من یهوه هستم.»

مجازات گناه

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را بگو: هر کسی از بنیاسرائیل یا از غریبانی که در اسرائیل ما وا گزینند، که از ذریت خود به مولک بدهد، البته کشته شود؛ قوم زمین او را با سنگ سنگسار کنند.

۳ و من روی خود را به ضد آن شخص خواهم گردانید، و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت، زیرا که از ذریت خود به مولک داده است، تا مکان مقدس مرا نجس سازد، و نام قدوس مرا بجرمت کند.

۴ و اگر قوم زمین چشمان خود را از آن شخص بپوشانند، وقتی که از ذریت خود به مولک داده باشد، و او را نکشند،

آنگاه من روی خود را به ضد آن شخص و خاندانش خواهم گردانید، و او را و همه کسانی را که در عقب او زنا کار شده، در پیروی مولک زنا کرده اند، از میان قوم ایشان منقطع خواهم ساخت.

۶ و کسیکه به سوی صاحبان اجنه و جادوگران توجه نماید، تا در عقب ایشان زنا کند، من روی خود را به ضد آن شخص خواهم گردانید، و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت.

۷ پس خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، زیرا من یهوه خدای شما هستم.

۸ و فرایض مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید. من یهوه هستم که شمار را تقدیس مینمایم.

۹ و هر کسیکه پدر یا مادر خود را لعنت کند، البته کشته شود، چونکه پدر و مادر خود را لعنت کرده است، خویش بر خود او خواهد بود.

- ۱۰ و کسبیکه بازن دیگری زنا کند یعنی هر که بازن همسایه خود زنا نماید، زانی و زانیه البته کشته شوند.
- ۱۱ و کسبیکه بازن پدر خود بخوابد، و عورت پدر خود را کشف نماید، هر دو البته کشته شوند. خون ایشان بر خود ایشان است.
- ۱۲ و اگر کسی با عروس خود بخوابد، هر دو ایشان البته کشته شوند. فاحشگی کرده اند خون ایشان بر خود ایشان است.
- ۱۳ و اگر مردی با مردی مثل بازن بخوابد هر دو مجور گرد هاند. هر دو ایشان البته کشته شوند. خون ایشان بر خود ایشان است.
- ۱۴ و اگر کسی زنی و مادرش را بگیرد، این قباح است. او و ایشان به آتش سوخته شوند، تا در میان شما قباحی نباشد.
- ۱۵ و مردی که با بهیمه‌های جماع کند، البته کشته شود و آن بهیمه را نیز بکشد.
- ۱۶ و زنی که به بهیمه‌های نزدیک شود تا با آن جماع کند، آن زن و بهیمه را بکش. البته کشته شوند خون آنها بر خود آنهاست.
- ۱۷ و کسبیکه خواهر خود را خواه دختر پدرش خواه دختر مادرش باشد بگیرد، و عورت او را ببیند و او عورت وی را ببیند، این رسوایی است. در پیش چشمان پسران قوم خود منقطع شوند، چون که عورت خواهر خود را کشف کرده است. متحمل گناه خود خواهند بود.
- ۱۸ و کسبیکه بازن حایض بخوابد و عورت او را کشف نماید، او چشمه او را کشف کرده است و او چشمه خون خود را کشف نموده است، هر دو ایشان از میان قوم خود منقطع خواهند شد.
- ۱۹ و عورت خواهر مادرت یا خواهر پدرت را کشف مکن؛ آن کس خویش خود را عریان ساخته است. ایشان متحمل گناه خود خواهند بود.
- ۲۰ و کسبیکه بازن عمومی خود بخوابد، عورت عمومی خود را کشف کرده است. متحمل گناه خود خواهند بود. بیکس خواهند بود.
- ۲۱ و کسبیکه زن برادر خود را بگیرد، این نجاست است. عورت برادر خود را کشف کرده است. بیکس خواهند بود.
- «س جمیع فرایض مرا و جمیع احکام مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید، تا زمینی که من

- شماره آنجا می‌آورم تا در آن ساکن شوید، شماراتی نکنند.
- ۲۳ و به رسوم قومهایی که من آنها را از پیش شما بیرون می‌کنم رفتار ننمایید، زیرا که جمیع این کارها را کردند پس ایشان را مکروه داشتم.
- ۲۴ و به شما گفتم شما و ارث این زمین خواهید بود و من آن را به شما خواهم داد و وارث آن بشوید، زمینی که به شیر و شهد جاری است. من یهوه خدای شما هستم که شمارا از امتها امتیاز کرده‌ام.
- ۲۵ پس در میان بهایم طاهر و نجس، و در میان مرغان نجس و طاهر امتیاز کنید، و جانهای خود را به بیمه یا مرغ یا به هیچ چیزی که بر زمین می‌خزد مکروه مسازید، که آنها را برای شما جدا کرده‌ام تا نجس باشند.
- ۲۶ و برای من مقدس باشید زیرا که من یهوه قدوس هستم، و شمارا از امتها امتیاز کرده‌ام تا از آن من باشید.
- ۲۷ مردوزنی که صاحب اجنه یا جادوگر باشد، البته کشته شوند؛ ایشان را به سنگ سنگسار کنید. خون ایشان بر خود ایشان است.»

قوانین برای کاهنان

- و خداوند به موسی گفت: «ه کاهنان یعنی پسران هارون خطاب کرده، به ایشان بگو:
- کسی از شما برای مردگان، خود را نجس نسازد،
- جز برای خویشان نزدیک خود، یعنی برای مادرش و پدرش و پسرش و دخترش و برادرش.
- ۳ و برای خواهر یا کره خود که قریب او باشد و شوهر ندارد؛ برای او خود را نجس تواند کرد.
- ۴ چونکه در قوم خود رئیس است، خود را نجس نسازد، تا خویشانش را بی‌عصمت نماید.
- ۵ سر خود را بپوشاند، و گوشه‌های ریش خود را تراشند، و بدن خود را مجروح نمایند.
- ۶ برای خدای خود مقدس باشند، و نام خدای خود را بی‌حرمت نمایند. زیرا که هدایای آتشین خداوند و طعام خدای خود را ایشان می‌گذرانند. پس مقدس باشند.
- ۷ زن زانیه یا بی‌عصمت را نکاح نمایند، و زن مطلقه از شوهرش را نگیرند، زیرا او برای

خدای خود مقدس است.

۸ پس اورا تقدیس نما، زیرا که او طعام خدای خود را میگذراند. پس برای تو مقدس باشد، زیرا من یهوه که شمارا تقدیس میکنم، قدوس هستم.

۹ و دختر هر کاهنی که خود را به فاحشگی بیعصمت ساخته باشد، پدر خود را بیعصمت کرده است. به آتش سوخته شود.

«آن که از میان برادرانش رئیس کهنه باشد، که بر سر او روغن مسح ریخته شده، و تخصیص گردیده باشد تا لباس را بپوشد، موی سر خود را نگشاید و گریبان خود را چاک نکند، و نزد هیچ شخص مرده نرود، و برای پدر خود و مادر خود خویشتن را نجس نسازد. ۱۲ و از مکان مقدس بیرون نرود، و مکان مقدس خدای خود را بیعصمت نسازد، زیرا که تاج روغن مسح خدای او بروی میباشد. من یهوه هستم. ۱۳ و او زن با کراهی نکاح کند.

۱۴ و یهوه و مطلقه وی عصمت وزانیه، اینهارا نگیرد. فقط با کراهی از قوم خود را به زنی بگیرد.

۱۵ و ذریت خود را در میان قوم خود بیعصمت نسازد. من یهوه هستم که او را مقدس میسازم.»

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ارون را خطاب کرده، بگو: هر کس از اولاد تو در طبقات ایشان که عیب داشته باشد نزدیک نیاید، تا طعام خدای خود را بگذراند.

۱۸ پس هر کس که عیب دارد نزدیک نیاید، نه مرد کور و نه لنگ و نه پهن بینی و نه زاید الاعضا،

و نه کسیکه شکسته پایاش کسته دست باشد،

و نه گوژ پشت و نه کوتاه قد و نه کسیکه در چشم خود لکه دارد، و نه صاحب جرب و

نه کسیکه گری دارد و نه شکسته بیضه.

۲۱ هر کس از اولاد هارون کاهن که عیب داشته باشد نزدیک نیاید، تا هادای آتشین

خدا و نذران بگذراند، چونکه معیوب است، برای گذرانیدن طعام خدای خود نزدیک

نیاید.

۲۲ طعام خدای خود را خواه از آنچه قدس اقدس است و خواه از آنچه مقدس است، بخورد.

۲۳ لیکن به حجاب داخل نشود و به مذبح نزدیک نیاید، چونکه معیوب است، تا مکان مقدس مرا بجزمت نسازد. من یهوه هستم که ایشان را تقدیس میکنم.»
پس موسی هارون و پسرانش و تمامی بنیاسرائیل را چنین گفت.

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ارون و پسرانش را بگو که از موقوفات بنیاسرائیل که برای من وقف میکنند احتراز نمایند، و نام قدوس مرا بجزمت نسازند. من یهوه هستم.

۳ به ایشان بگو: هر کس از همه ذریت شما در نسلهای شما که به موقوفاتی که بنیاسرائیل برای خداوند وقف نمایند نزدیک بیاید، و نجاست او روی باشد، آن کس از حضور من منقطع خواهد شد. من یهوه هستم.

۴ هر کس از ذریت هارون که مبروص یا صاحب جریان باشد تا طاهر نشود، از چیزهای مقدس نخورد، و کسبیکه هر چیزی را که از میت نجس شود لمس نماید، و کسبیکه منی از وی درآید،

و کسبیکه هر حشرات را که از آن نجس میشوند لمس نماید، یا آدمی را که از او نجس میشوند از هر نجاستی که دارد.

۶ پس کسبیکه یکی از اینهارا لمس نماید تا شام نجس باشد، و تا بدن خود را به آب غسل ندهد از چیزهای مقدس نخورد.

۷ و چون آفتاب غروب کند، آنگاه طاهر خواهد بود، و بعد از آن از چیزهای مقدس بخورد چونکه خوراک وی است.

۸ میتی یادیده شده را نخورد تا از آن نجس شود. من یهوه هستم.

۹ پس وصیت مرا نگاه دارند مبادا به سبب آن متحمل گناه شوند. و اگر آن را بجزمت نمایند بمیرند. من یهوه هستم که ایشان را تقدیس مینمایم.

۱۰ هیچ غریبی چیز مقدس نخورد، و مهمان کاهن و مزدور او چیز مقدس نخورد.

۱۱ اما اگر کاهن کسی را بخورد، زر خرید او می باشد. او آن را بخورد و خانه زاد او نیز. هر دو خوراک او را بخورند.

۱۲ و دختر کاهن اگر منکوحه مرد غریب باشد، از هدایای مقدس نخورد.

۱۳ و دختر کاهن که بیوه یا مطلقه بشود و اولاد نداشته، به خانه پدر خود مثل طفولیتش برگردد، خوراک پدر خود را بخورد، لیکن هیچ غریب از آن نخورد.

۱۴ و اگر کسی سهو چیز مقدس را بخورد، پنج یک بر آن اضافه کرده، آن چیز مقدس را به کاهن بدهد.

۱۵ و چیزهای مقدس بنیاسرائیل را که برای خداوند می گذرانند، بیحرمت نسازند.

۱۶ و به خوردن چیزهای مقدس ایشان، ایشان را متحمل جرم گناه نسازند، زیرا من بیوه هستم که ایشان را تقدیس مینمایم.»

قربانی نامقبول

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ارون و پسرانش و جمیع بنیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: هر کس از خاندان اسرائیل و از غریبانی که در اسرائیل باشند که قربانی خود را بگذرانند، خواه یکی از نذرهای ایشان، خواه یکی از نوافل ایشان، که آن را برای قربانی سوختنی نزد خداوند میگذرانند، تا شما مقبول شوید. آن را از بیعیب از گاو یا از گوسفند یا از بز بگذرانید.

۲۰ هر چه را که عیب دارد مگذرانید، برای شما مقبول نخواهد شد.

۲۱ و اگر کسی ذبیحه سلامتی برای خداوند بگذرانند، خواه برای وفای نذر، خواه برای نافلة، چه از رمه چه از گله، آن بیعیب باشد تا مقبول بشود، البته هیچ عیب در آن نباشد.

۲۲ کور یا شکسته یا مجروح یا آبله دار یا صاحب جرب یا گری، اینها را برای خداوند مگذرانید، و از اینها هدیه آتشین برای خداوند بر منذج مگذارد.

۲۳ اما گاو و گوسفند که زاید یا ناقص اعضا باشد، آن را برای نوافل بگذران، لیکن برای نذر قبول نخواهد شد.

۲۴ و آنچه را که بیضه آن کوفته یا فشرده یا شکسته یا بریده باشد، برای خداوند نزدیک میاورید، و در زمین خود قربانی مگذرانید.

- ۲۵ واز دست غریب نیز طعام خدای خود را از هیچیک از اینها مگذرانید، زیرا فساد آنها در آنهاست چونکه عیب دارند، برای شما مقبول نخواهند شد.»
 و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:
 «ون گاویا گوسفند یا بز زاییده شود، هفت روز نزد مادر خود بماند و در روز هشتم و بعد برای قربانی هدیه آتشین نزد خداوند مقبول خواهد شد.
 ۲۸ اما گاویا گوسفند آن را با بچه اش در یک روز ذبح ننماید.
 ۲۹ و چون ذبیحه تشکر برای خداوند ذبح نماید، آن را ذبح کنید تا مقبول شوید.
 ۳۰ در همان روز خورده شود و چیزی از آن را تا صبح نگاه ندارد. من یهوه هستم.
 ۳۱ پس او امر مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورد. من یهوه هستم.
 ۳۲ و نام قدوس مرا بجزمت مسازید و در میان بنی اسرائیل تقدیس خواهم شد. من یهوه هستم که شمارا تقدیس مینمایم.
 ۳۳ و شمارا از زمین مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم. من یهوه هستم.»

محفل های مقدس

- و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:
 «نیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: موسمهای خداوند که آنها را محفلهای مقدس خواهید خواند، اینها موسمهای من میباشند.

سبت

- «ش روز کار کرده شود و در روز هفتم سبت آرامی و محفل مقدس باشد. هیچ کار مکنید. آن در همه مسکنهای شما سبت برای خداوند است.

فصح

- «ینها موسمهای خداوند و محفلهای مقدس میباشند، که آنها را در وقتهای آنها اعلان باید کرد.
 ۵ در ماه اول، در روز چهاردهم ماه بین العصرین، فصح خداوند است.
 ۶ و در روز پانزدهم این ماه عید فطیر برای خداوند است، هفت روز فطیر بخورید.
 ۷ در روز اول محفل مقدس برای شما باشد، هیچ کار از شغل مکنید.

۸ هفت روز هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید، و در روز هفتم، محفل مقدس باشد؛ هیچ کار از شغل مکنید.»

عید نو برها

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: چون به زمینی که من به شما میدهم داخل شوید، و محصول آن را درو کنید، آنگاه با فیه نو بر خود را نزد کاهن بیاورید.

۱۱ و با فیه را به حضور خداوند بجناباند تا شما مقبول شوید، در فردای بعد از سبت کاهن آن را بجناباند.

۱۲ و در روزی که شما با فیه را میجنابانید، بره یک ساله بیعیب برای قربانی سوختنی به حضور خداوند بگذرانید.

۱۳ و هدیه آردی آن دو عشر آرد نرم سرشته شده به روغن خواهد بود، تا هدیه آتشین و عطر خوشبو برای خداوند باشد، و هدیه ریختنی آن چهار یک هین شراب خواهد بود. ۱۴ و نان و خوشه های پرشته شده و خوشه های تازه محورید، تا همان روزی که قربانی خدای خود را بگذرانید. این برای پشتهای شما در همه مسکنهای شما فریضهای ابدی خواهد بود.

عید هفته ها

و از فردای آن سبت، از روزی که با فیه جنابانیدنی را آورده باشید، برای خود بشمارید تا هفت هفته تمام بشود.

۱۶ تا فردای بعد از سبت هفتم، پنجاه روز بشمارید، و هدیه آردی تازه برای خداوند بگذرانید.

۱۷ از مسکنهای خود و نان جنابانیدنی از دو عشر بیاورید از آرد نرم باشد، و با خمیر مایه پخته شود تا نو بر برای خداوند باشد.

۱۸ و همراه نان، هفت بره یک ساله بیعیب و یک گوساله و دو قوچ، و آنها با هدیه آردی و هدیه ریختنی آنها قربانی سوختنی برای خداوند خواهد بود، و هدیه آتشین و عطر خوشبو برای خداوند.

۱۹ و یک بز برای قربانی نگاه، و دو بره نریک ساله برای ذبیحه سلامتی بگذرانید.

۲۰ و کاهن آنها را بانان نو بر بجهت هدیه جنابانیدنی به حضور خداوند آن دو بره بجناباند،

تا برای خداوند بجهت کاهن مقدس باشد.

۲۱ و در همان روز منادی کنید که برای شما محفل مقدس باشد؛ و هیچ کار از شغل مکنید. در همه مسکنهای شما پریشتهای شما فریضه ابدی باشد.

۲۲ و چون محصول زمین خود را در رو کنید، گوشه های مزرعه خود را تمام در و مکن، و حصاد خود را خوشه چینی منما، آنها را برای فقیر و غریب بگذار. من یهوه خدای شما هستم.»

عید کرناها

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را خطاب کرده، بگو: در ماه هفتم در روز اول ماه، آرامی سبت برای شما خواهد بود، یعنی یاد گاری نواختن کرناها و محفل مقدس.

۲۵ هیچ کار از شغل مکنید و هدیه آتشین برای خداوند بگذارانید.»

عید کفاره

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«ردهم این ماه هفتم، روز کفاره است. این برای شما محفل مقدس باشد. جانهای خود را ذلیل سازید، و هدیه آتشین برای خداوند بگذارانید.

۲۸ و در همان روز هیچ کار مکنید، زیرا که روز کفاره است تا برای شما به حضور یهوه خدای شما کفاره بشود.

۲۹ و هر کسی که در همان روز خود را ذلیل نسازد، از قوم خود منقطع خواهد شد.

۳۰ و هر کسی که در همان روز هر گونه کاری بکند، آن شخص را از میان قوم او منقطع خواهیم ساخت.

۳۱ هیچ کار مکنید. برای پشتهای شما در همه مسکنهای شما فریضه ابدی است.

۳۲ این برای شما سبت آرامی خواهد بود، پس جانهای خود را ذلیل سازید، در شام روز نهم، از شام تا شام، سبت خود را نگاه دارید.»

عید خیمه ها

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«نیاسرائیل را خطاب کرده، بگو: در روز پانزدهم این ماه هفتم، عید خیمهها، هفت روز برای خداوند خواهد بود.

۳۵ در روز اول، محفل مقدس باشد؛ هیچ کار از شغل مکنید.

۳۶ هفت روز هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید، و در روز هشتم جشن مقدس برای شما باشد، و هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید. این تکمیل عید است؛ هیچ کار از شغل مکنید.

۳۷ این موسمیهای خداوند است که در آنها محفلهای مقدس را اعلان بکنید تا هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید، یعنی قربانی سوختنی و هدیه آردی و ذبیحه و هدایای ریختنی. مال هر روز را در روزش، سوای سبت‌های خداوند و سوای عطایای خود و سوای جمیع نذرهای خود و سوای همه نوافل خود که برای خداوند میدهید.

۳۹ در روز پانزدهم ماه هفتم چون شما محصول زمین را جمع کرده باشید، عید خداوند را هفت روز نگاه دارید، در روز اول، آرامی سبت خواهد بود، و در روز هشتم آرامی سبت.

۴۰ و در روز اول میوه درختان نیکو برای خود بگیرید، و شاخه‌های خرما و شاخه‌های درختان پر برگ، و بیدهای نهر، و به حضور یهوه خدای خود هفت روز شادی نمایید. ۴۱ و آن راه را سال هفت روز برای خداوند عید نگاه دارید، برای پشتهای شما فریضهای ابدی است که در ماه هفتم آن را عید نگاه دارید.

۴۲ هفت روز در خیمه‌ها ساکن باشید؛ همه متوطنان در اسرائیل در خیمه‌ها ساکن شوند.

۴۳ تا طبقات شما بدانند که من بنیاسرائیل را وقتی که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم در خیمه‌ها ساکن گردانیدم. من یهوه خدای شما هستم.» پس موسی بنیاسرائیل را از موسمیهای خداوند خبر داد.

هدایای آتشین

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت

که «نیاسرائیل را امر بفرماتار و غن زیتون صاف کو بیده شده برای روشنایی بگیرند، تا چراغ را دائم روشن کنند.

- ۳ هارون آن را بیرون حجاب شهادت در خیمه اجتماع از شام تا صبح به حضور خداوند پیوسته بیاراید. در پشتهای شمالی یضه ابدی است.
- ۴ چراغهارا بر چراغدان طاهر، به حضور خداوند پیوسته بیاراید.
- ۵ وارد نرم بگیر و از آن دوازده گرده پیز؛ برای هر گرده دو عشر باشد.
- ۶ و آنها را به دو صف، در هر صف شش، بر میز طاهر به حضور خداوند بگذار.
- ۷ و بر هر صف بخور صاف بنه، تا بجهت یادگاری برای نان و هدیه آتشین باشد برای خداوند.
- ۸ در هر روز نسبت آن را همیشه به حضور خداوند بیاراید. از جانب بنیاسرائیل عهد ابدی خواهد بود.
- ۹ و از آن هارون و پسراش خواهد بود تا آن را در مکان مقدس بخورند، زیرا این از هدایای آتشین خداوند به فریضه ابدی برای وی قدس اقداس خواهد بود.»
- مجازات لعنت کننده**
- پسرزن اسرائیلی که پدرش مرد مصری بود در میان بنیاسرائیل بیرون آمد، و پسرزن اسرائیلی با مرد اسرائیلی در لشکرگاه جنگ کردند.
- ۱۱ و پسرزن اسرائیلی اسم را کفر گفت و لعنت کرد. پس او را نزد موسی آوردند و نام مادر او شلومیت دختر دبری از سبط دان بود.
- ۱۲ و او را در زندان انداختند تا از ذهن خداوند اطلاع یابند.
- و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:
- «ن کس را که لعنت کرده است، بیرون لشکرگاه ببر، و همه آنانی که شنیدند دستهای خود را بر سر وی بنهند، و تمامی جماعت او را سنگسار کنند.
- ۱۵ و بنیاسرائیل را خطاب کرده، بگو: هر کسی که خدای خود را لعنت کند متحمل گناه خود خواهد بود.
- ۱۶ و هر که اسم یهوه را کفر گوید هر آینه کشته شود، تمامی جماعت او را البته سنگسار کنند، خواه غریب خواه متوطن. چونکه اسم را کفر گفته است کشته شود.
- ۱۷ و کسی که آدمی را بزند که بمیرد، البته کشته شود.
- ۱۸ و کسی که بهمیمهای را بزند که بمیرد عوض آن را بدهد، جان به عوض جان.
- ۱۹ و کسی که همسایه خود را عیب رسانیده باشد چنانکه او کرده باشد، به او کرده خواهد شد.
- »

- ۲۰ شکستگی عوض شکستگی، چشم عوض چشم، دندان عوض دندان، چنانکه به آن شخص عیب رسانیده، همچنان به او رسانیده شود.
- ۲۱ وکسیکه بهیمهای را کشت، عوض آن را بدهد، اما کسیکه انسان را کشت، کشته شود.
- ۲۲ شمار ایک حکم خواهد بود، خواه غریب خواه متوطن، زیرا که من یهوه خدای شما هستم.»
- و موسی بنیاسرائیل را خبر داد، و آن را که لعنت کرده بود، بیرون لشکرگاه بردند، و او را به سنگ سنگسار کردند. پس بنیاسرائیل چنانکه خداوند به موسی امر فرموده بود به عمل آوردند.

سال سبت

- و خداوند موسی را در کوه سینا خطاب کرده، گفت:
- «نیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: چون شما به زمینی که من به شما میدهم، داخل شوید، آنگاه زمین، سبت خداوند را نگاه بدارد.
- ۳ شش سال مزرعه خود را بکار، و شش سال تا کستان خود را پازش بکن، و محصولش را جمع کن.
- ۴ و در سال هفتم سبت آرامی برای زمین باشد، یعنی سبت برای خداوند. مزرعه خود را مکار و تا کستان خود را پازش منما.
- ۵ آنچه از مزرعه تو خود رو باشد، درو مکن، و انگورهای مویازش نا کرده خود را چمین، سال آرامی برای زمین باشد.
- ۶ و سبت زمین، خوراک بجهت شما خواهد بود، برای تو و غلامت و کنیزت و مزدورت و غریبی که نزد تو ماوا گیرند.
- ۷ و برای بهایمت و برای جانورانی که در زمین تو باشند، همه محصولش خوراک خواهد بود.»

سال پنجاهم

- «برای خود هفت سبت سالها بشمار، یعنی هفت در هفت سال و مدت هفت سبت سالها برای تو چهل و نه سال خواهد بود.»

- ۹ در روز دهم از ماه هفتم در روز کفاره، کرنای بلند آواز را بگردان؛ در تمامی زمین خود کرنا را بگردان.
- ۱۰ سال پنجاهم را تقدیس نماید، و در زمین برای جمیع ساکنانش آزادی را اعلان کنید. این برای شما یوبیل خواهد بود، و هر کس از شما به ملک خود برگردد، و هر کس از شما به قبیله خود برگردد.
- ۱۱ این سال پنجاهم برای شما یوبیل خواهد بود. زراعت نکنید و حاصل خود روی آن را چینید، و انگورهای مویازش ناکرده آن را چینید.
- ۱۲ چونکه یوبیل است، برای شما مقدس خواهد بود؛ محصول آن را در مزرعه بخورید.
- ۱۳ در این سال یوبیل هر کس از شما به ملک خود برگردد.
- ۱۴ و اگر چیزی به همسایه خود بفروشی یا چیزی از دست همسایه ات بخری یکدیگر را مغبون مسازید.
- ۱۵ بر حسب شماره سالهای بعد از یوبیل، از همسایه خود بخور و بر حسب سالهای محصولش به تو بفروشد.
- ۱۶ بر حسب زیادتی سالها قیمت آن را زیاده کن، و بر حسب کمی سالها قیمتش را کم نما، زیرا که شماره حاصلها را به تو خواهد فروخت.
- ۱۷ و یکدیگر را مغبون مسازید، و از خدای خود ترس. من یهوه خدای شما هستم.
- ۱۸ پس فرایض مرا بجا آورید و احکام مرا نگاه داشته، آنها را به عمل آورید، تا در زمین به امنیت ساکن شوید.
- ۱۹ و زمین بار خود را خواهد داد و به سیری خواهید خورد، و به امنیت در آن ساکن خواهید بود.
- ۲۰ و اگر گوید در سال هفتم چه بخوریم، زیرا اینک نمی کاریم و حاصل خود را جمع نمی کنیم،
- پس در سال ششم برکت خود را بر شما خواهم فرمود، و محصول سه سال خواهد داد.
- ۲۲ و در سال هشتم بکارید و از محصول کهنه تا سال نهم بخورید. تا حاصل آن برسد، کهنه را بخورید.
- ۲۳ و زمین به فروش ابدی نرود زیرا زمین از آن من است، و شما نزد من غریب و مهمان

هستید.

- ۲۴ و در تمامی زمین ملک خود برای زمین فکاک بدهید.
- ۲۵ اگر برادر تو فقیر شده، بعضی از ملک خود را بفروشد، آنگاه ولی او که خویش نزدیک او باشد بیاید، و آنچه را که برادرت میفروشد، انفکاک نماید.
- ۲۶ و اگر کسی ولی ندارد و بر خوردار شده، قدر فکاک آن را پیدا نماید.
- ۲۷ آنگاه سالهای فروش آن را بشمارد و آنچه را که زیاده است به آنکس که فروخته بود، رد نماید، و او به ملک خود برگردد.
- ۲۸ و اگر نتواند برای خود پس بگیرد، آنگاه آنچه فروخته است به دست خریدار آن تا سال یوییل بماند، و در یوییل رها خواهد شد، و او به ملک خود خواهد برگشت.
- «اگر کسی خانه سکونتی در شهر حصار دار بفروشد، تا یک سال تمام بعد از فروختن آن حق انفکاک آن را خواهد داشت، مدت انفکاک آن یک سال خواهد بود.
- ۳۰ و اگر در مدت یک سال تمام آن را انفکاک ننماید، پس آن خانهای که در شهر حصار دار است، برای خریدار آن نسلا بعد نسل برقرار باشد، در یوییل رها نشود.
- ۳۱ لیکن خانه های دهات که حصار گرد خود ندارد، با مزرعه های آن زمین شمرده شود. برای آنها حق انفکاک هست و در یوییل رها خواهد شد.
- ۳۲ و اما شهرهای لاویان، خانه های شهرهای ملک ایشان، حق انفکاک آنها همیشه برای لاویان است.
- ۳۳ و اگر کسی از لاویان بخرد، پس آنچه فروخته شده است از خانه یا از شهر ملک او در یوییل رها خواهد شد، زیرا خانه های شهرهای لاویان در میان بنیاسرائیل، ملک ایشان است.
- ۳۴ و مزرعه های حوالی شهرهای ایشان فروخته نشود، زیرا که این برای ایشان ملک ابدی است.
- «اگر برادرت فقیر شده، نزد تو تهیدست باشد، او را مثل غریب و مهمان دستگیری نما تا با تو زندگی نماید.
- ۳۶ از او ربا و سود مگیر و از خدای خود بترس، تا برادرت با تو زندگی نماید.
- ۳۷ نقد خود را به او بهر بامده و خوراکی خود را به او بهر سود مده.
- ۳۸ من بیهوده خدای شما هستم که شمار از زمین مصر بیرون آوردم تا زمین کنعان را به

شما دهم و خدای شما باشم.

۳۹ واگر برادرت نزد تو فقیر شده، خود را به تو بفروشد، بر او مثل غلام خدمت مگذار.

۴۰ مثل مزدور و مهمان نزد تو باشد و تا سال یو بیل نزد تو خدمت نماید.

۴۱ آنگاه از نزد تو بیرون رود، خود او و پسرانش همراه وی، و به خاندان خود برگردد و

به ملک پدران خود رجعت نماید.

۴۲ زیرا که ایشان بندگان منند که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم؛ مثل غلامان

فروخته نشوند.

۴۳ بر او به سختی حکم رانی منما و از خدای خود بترس.

۴۴ و اما غلامانت و کنیزانت که برای تو خواهند بود، از امتهایی که به اطراف تو میباشند از

ایشان غلامان و کنیزان بخرید.

۴۵ و هم از پسران مهمانانی که نزد شما ماوا گیریند، و از قبیله های ایشان که نزد شما باشند،

که ایشان را در زمین شما تولید نمودند، بخرید و مملوک شما خواهند بود.

۴۶ و ایشان را بعد از خود برای پسران خود وا گذارید، تا ملک موروثی باشند و ایشان

راتا به ابد مملوک سازید. و اما برادران شما از بنیاسرائیل هیچکس بر برادر خود به

سختی حکمرانی نکند.

«اگر غریب یا مهمانی نزد شما بر خوردار گردد، و برادرت نزد او فقیر شده، به آن غریب

یا مهمان تو یا به نسل خاندان آن غریب، خود را بفروشد،

بعد از فروخته شدنش برای وی حق انفکاک میباشد. یکی از برادرانش او را

انفکاک نماید.

۴۹ یا عمویش یا پسر عمویش او را انفکاک نماید، یا یکی از خویشان او از خاندانش او

را انفکاک نماید، یا خود او اگر بر خوردار گردد، خویشتر را انفکاک نماید.

۵۰ و با آن کسیکه او را خرید از سالی که خود را فروخت تا سال یو بیل حساب کند،

و نقد فروش او بر حسب شماره سالها باشد، موافق روزهای مزدور نزد او باشد.

۵۱ اگر سالهای بسیار باقی باشد، بر حسب آنها نقد انفکاک خود را از نقد فروش خود،

پس بدهد.

۵۲ واگر تا سال یو بیل، سالهای کم باقی باشد با وی حساب بکند، و بر حسب سالهایش

نقد انفکاک خود را رد نماید.

۵۳ مثل مزدوری که سال به سال اجیر باشد نزد او بماند، و در نظر توبه سختی بروی حکمرانی نکند.

۵۴ واگر به اینها انفکاک نشود پس در سال یوبیل رها شود، هم خود او و پسرانش همراه وی.

۵۵ زیر برای من بنیاسرائیل غلامانند، ایشان غلام من میباشند که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم. من یهوه خدای شما هستم.

برکت مطیعان

«رای خود بتمامسازید، و تمثال تراشیده و ستونی به جهت خود برپا نمائید، و سنگی مصور در زمین خود مگذارید تا به آن سجده کنید، زیرا که من یهوه خدای شما هستم.

۲ سبت های مرا نگاه دارید، و مکان مقدس مرا احترام نمائید. من یهوه هستم.

۳ اگر در فریض من سلوک نمائید و اوامر مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید،

آنگاه بارانهای شمارا در موسم آنها خواهم داد، و زمین محصول خود را خواهد آورد، و درختان صحرا میوه خود را خواهد داد.

۵ و کوفتن خر من شما تا چیدن انگور خواهد رسید، و چیدن انگور تا کاشتن تخم خواهد

رسید، و نان خود را به سیری خورده، در زمین خود به امنیت سکونت خواهید کرد.

۶ و به زمین، سلامتی خواهم داد و خواهید خوابید و ترسانندهای نخواهد بود، و حیوانات

موذی را از زمین نابود خواهم ساخت، و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد.

۷ و دشمنان خود را تعاقب خواهید کرد، و ایشان پیش روی شما از شمشیر خواهند افتاد.

۸ و پنج نفر از شما صدمه را تعاقب خواهند کرد، و صد از شما ده هزار را خواهند راند، و

دشمنان شما پیش روی شما از شمشیر خواهند افتاد.

۹ و بر شما التفات خواهم کرد، و شمارا بارور گردانیده، شمارا کثیر خواهم ساخت،

و عهد خود را با شما استوار خواهم نمود.

۱۰ و غله کهنه پارینه را خواهید خورد، و کهنه را برای نویرون خواهید آورد.

۱۱ و مسکن خود را در میان شما برپا خواهم کرد و جانم شمارا مگروه نخواهد داشت.

۱۲ و در میان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود.

۱۳ من بیوه خدای شما هستم که شمارا از زمین مصر بیرون آوردم تا ایشان را غلام نباشید، و بندهای بیوغ شمارا شکستم، و شمارا راست روان ساختم.

تنبيه نامطیعان

«اگر مرانشنویید و جمیع این اوامر را بجانیاورید،

و اگر فریاض مرار د نمایید و دل شما احکام مرا مکروه دارد، تا تمامی اوامر مرا بجانیاورده، عهد مرا بشکنید،

من این رابه شما خواهم کرد که خوف و سل و تب را که چشمان را فنا سازد، و جان را تلف کند، بر شما مسلط خواهم ساخت، و تخم خود را بیفایده خواهید کاشت و دشمنان شما آن را خواهند خورد.

۱۷ و روی خود را به ضد شما خواهم داشت، و پیش روی دشمنان خود منہزم خواهید شد، و آنانی که از شما نفرت دارند، بر شما حکمرانی خواهند کرد، و بدون تعاقب کنندہای فرار خواهید نمود.

۱۸ و اگر با وجود این همه، مرانشنویید، آنگاه شمارا برای گناہان شما هفت مرتبه زیادہ سیاست خواهم کرد.

۱۹ و نفرت شمارا خواهم شکست، و آسمان شمارا مثل آهن و زمین شمارا مثل مس خواهم ساخت.

۲۰ و قوت شما در بطالت صرف خواهد شد، زیرا زمین شما حاصل خود را نخواهد داد، و درختان زمین میوه خود را نخواهد آورد.

۲۱ و اگر به خلاف من رفتار نموده، از شنیدن من ابا نمایید، آنگاه بر حسب گناہانتان هفت چندان بلایای زیادہ بر شما عارض گردانم.

۲۲ و وحوش صحرا بر شما فرستم تا شمارا بی اولاد سازند، و بہایم شمارا هلاک کنند، و شمارا در شمارہ کم سازند، و شاہراہهای شما ویران خواهد شد.

۲۳ و اگر با این همه از من متنبہ نشده، بہ خلاف من رفتار کنید،

آنگاه من نیز بہ خلاف شمارا رفتار خواهم کرد، و شمارا برای گناہانتان هفت چندان سزا خواهم داد.

۲۵ و بر شما شمشیری خواهم آورد که انتقام عهد مرا بگیرد. و چون به شهرهای خود جمع شوید، و بادرمیان شما خواهم فرستاد، و به دست دشمن تسلیم خواهید شد.

۲۶ و چون عصبای نان شمارا بشکنم، ده زن نان شمارا در یک تنور خواهند پخت، و نان شمارا به شمایه وزن پس خواهند داد، و چون بخورید سیر نخواهید شد.

۲۷ و اگر با وجود این، مرا نشنوید و به خلاف من رفتار نمائید، آنگاه به غضب به خلاف شمارا رفتار خواهم کرد، و من نیز برای گناهتان، شمارا هفت چندان سیاست خواهم کرد.

۲۹ و گوشت پسران خود را خواهید خورد، و گوشت دختران خود را خواهید خورد. ۳۰ و مکانهای بلند شمارا خراب خواهم ساخت، و اصنام شمارا قطع خواهم کرد، و لاشه های شمارا بر لاشه های بتهای شما خواهم افکند، و جان من شمارا مکروه خواهد داشت.

۳۱ و شهرهای شمارا خراب خواهم ساخت، و مکانهای مقدس شمارا ویران خواهم کرد، و بوی عطرهای خوشبوی شمارا نخواهم بوید.

۳۲ و من زمین را ویران خواهم ساخت، به حدی که دشمنان شما که در آن ساکن باشند، متحیر خواهند شد.

۳۳ و شمارا در میان امتهای پراکنده خواهم ساخت، و شمشیر را در عقب شما خواهم کشید، و زمین شما ویران و شهرهای شما خراب خواهد شد.

۳۴ آنگاه زمین در تمامی روزهای ویرانیش، حینی که شما در زمین دشمنان خود باشید، از سبب های خود تمتع خواهد برد. پس زمین آرامی خواهد یافت و از سبب های خود تمتع خواهد برد.

۳۵ تمامی روزهای ویرانیش آرامی خواهد یافت، یعنی آن آرامی که در سبب های شما حینی که در آن ساکن میبودید، نیافته بود.

«اما در دل های بقیه شما در زمین دشمنان شما ضعف خواهم فرستاد، و آواز برگ رانده شده، ایشان را خواهد گریزانید، و بدون تعاقب کنند های مثل کسی که از شمشیر فرار کند، خواهند گریخت و خواهند افتاد.

- ۳۷ و به روی یکدیگر مثل از دم شمشیر خواهند ریخت، با آنکه کسی تعاقب نکند، و شما را یارای مقاومت باد دشمنان خود نخواهد بود.
- ۳۸ و در میان امتهای لاک خواهید شد و زمین دشمنان شما، شمارا خواهد خورد.
- ۳۹ و بقیه شما در زمین دشمنان خود در گاهان خود فانی خواهند شد، و در گاهان پدران خود نیز فانی خواهند شد.
- ۴۰ پس به گاهان خود و به گاهان پدران خود در خیانتی که به من ورزیده، و سلوکی که به خلاف من نمود هاند، اعتراف خواهند کرد.
- ۴۱ از این سبب من نیز به خلاف ایشان رفتار نمودم، و ایشان را به زمین دشمنان ایشان آوردم. پس اگر دل نمانحتون ایشان متواضع شود و سزای گاهان خود را بپذیرند، آنگاه عهد خود را با یعقوب بیاد خواهم آورد، و عهد خود را با اسحاق نیز و عهد خود را با ابراهیم نیز بیاد خواهم آورد، و آن زمین را بیاد خواهم آورد.
- ۴۳ و زمین از ایشان ترک خواهد شد و چون از ایشان ویران باشد از سبب های خود تمتع خواهد برد، و ایشان سزای گاه خود را خواهند پذیرفت، به سبب اینکه احکام مرا رد کردند، و دل ایشان فرایض مرا مکروه داشت.
- ۴۴ و با وجود این همه نیز چون در زمین دشمنان خود باشند، من ایشان را رد نخواهم کرد، و ایشان را مکروه نخواهم داشت تا ایشان را هلاک کنم، و عهد خود را با ایشان بشکنم، زیرا که من یهوه خدای ایشان هستم.
- ۴۵ بلکه برای ایشان عهد اجداد ایشان را بیاد خواهم آورد که ایشان را در نظر امتها از زمین مصر بیرون آوردم، تا خدای ایشان باشم. من یهوه هستم.»
- این است فرایض و احکام و شرایعی که خداوند در میان خود و بنیاسرائیل در کوه سینا به دست موسی قرارداد.

موقوفات برای خداوند

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت:

«بنیاسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: چون کسی نذر مخصوصی نماید، نفوس بر حسب بر آورد تو، از آن خداوند باشند.

- ۳ واگر بر آورد تو بجهت ذکور، از بیست ساله تا شصت ساله باشد، بر آورد تو پنجاه مثقال نقره بر حسب مثقال قدس خواهد بود.
- ۴ واگر اناث باشد بر آورد تو سی مثقال خواهد بود.
- ۵ واگر از پنج ساله تا بیست ساله باشد، بر آورد تو بجهت ذکور، بیست مثقال و بجهت اناث ده مثقال خواهد بود.
- ۶ واگر از یک ماهه تا پنج ساله باشد، بر آورد تو بجهت ذکور پنج مثقال نقره، و بجهت اناث، بر آورد تو سه مثقال نقره خواهد بود.
- ۷ واگر از شصت ساله و بالاتر باشد، اگر ذکور باشد، آنگاه بر آورد تو پانزده مثقال، و برای اناث ده مثقال خواهد بود.
- ۸ واگر از بر آورد تو فقیر تر باشد، پس او را به حضور کاهن حاضر کنند، و کاهن برایش بر آورد کند و کاهن به مقدار قوه آن که نذر کرده، برای وی بر آورد نماید.
- ۹ واگر بهیمه‌های باشد از آنهایی که برای خداوند قربانی می‌گذرانند، هر آنچه را که کسی از آنها به خداوند بدهد، مقدس خواهد بود.
- ۱۰ آن را مبادله ننماید و خوب را به بد یا بد را به خوب عوض نکند. واگر بهیمه‌های را به بهیمه‌های مبادله کند، هم آن و آنچه به عوض آن داده شود، هر دو مقدس خواهد بود.
- ۱۱ واگر هر قسم بهیمه نجس باشد که از آن قربانی برای خداوند نمی‌گذرانند، آن بهیمه را پیش کاهن حاضر کند.
- ۱۲ و کاهن آن را چه خوب و چه بد، قیمت کند و بر حسب بر آورد تو ای کاهن، چنین باشد.
- ۱۳ واگر آن را فدیة دهد، پنج یک بر آورد تو زیاده دهد.
- ۱۴ واگر کسی خانه خود را وقف نماید تا برای خداوند مقدس شود، کاهن آن را چه خوب و چه بد بر آورد کند، و بطوری که کاهن آن را بر آورد کرده باشد، همچنان بماند.
- ۱۵ واگر وقف کننده بخواد خانه خود را فدیة دهد، پس پنج یک بر نقد بر آورد تو زیاده کند و از آن او خواهد بود.
- ۱۶ واگر کسی قطعهای از زمین ملک خود را برای خداوند وقف نماید، آنگاه بر آورد تو

- موافق زراعت آن باشد، زراعت یک حومر جو به پنجاه مثقال نقره باشد.
- ۱۷ واگر زمین خود را از سال یوبیل وقف نماید، موافق بر آورد تو برقرار باشد.
- ۱۸ واگر زمین خود را بعد از یوبیل وقف نماید، آنگاه کاهن نقد آن را موافق سالهایی که تا سال یوبیل باقی مییاشد برای وی بشمارد، و از بر آورد تو تخفیف شود.
- ۱۹ واگر آنکه زمین را وقف کرد بخواهد آن را فدیة دهد، پس پنج یک از نقد بر آورد تو را بر آن بیفزاید و برای وی برقرار شود.
- ۲۰ واگر نخواهد زمین را فدیة دهد، یا اگر زمین را به دیگری فروخته باشد، بعد از آن فدیة داده نخواهد شد.
- ۲۱ و آن زمین چون در یوبیل رها شود مثل زمین وقف برای خداوند، مقدس خواهد بود؛ ملکیت آن برای کاهن است.
- ۲۲ واگر زمینی را که خریده باشد که از زمین ملک او نبود، برای خداوند وقف نماید، آنگاه کاهن مبلغ بر آورد تو را تا سال یوبیل برای وی بشمارد، و در آن روز بر آورد تو را مثل وقف خداوند به وی بدهد.
- ۲۴ و آن زمین در سال یوبیل به کسیکه از او خریده شده بود خواهد برگشت، یعنی به کسیکه آن زمین ملک موروثی وی بود.
- ۲۵ و هر بر آورد تو موافق مثقال قدس باشد که بیست جیره یک مثقال است.
- «یکن نخست زادهای از بهایم که برای خداوند نخست زاده شده باشد، هیچکس آن را وقف ننماید، خواه گاو خواه گوسفند، از آن خداوند است.
- ۲۷ واگر از بهایم نجس باشد، آنگاه آن را بر حسب بر آورد تو فدیة دهد، و پنج یک بر آن بیفزاید، و اگر فدیة داده نشود پس موافق بر آورد تو فروخته شود.
- ۲۸ اما هر چیزی که کسی برای خداوند وقف نماید، از کل مایملک خود، چه از انسان چه از بهایم چه از زمین ملک خود، نه فروخته شود و نه فدیة داده شود، زیرا هر چه وقف باشد برای خداوند قدس اقداس است.
- ۲۹ هر وقتی که از انسان وقف شده باشد، فدیة داده نشود. البته کشته شود.
- ۳۰ و تمامی دهیک زمین چه از تخم زمین چه از میوه درخت از آن خداوند است، و برای خداوند مقدس مییاشد.

۳۱ واگر کسی از دهیک خود چیزی فدیه دهد پنج یک آن را بر آن بیفزاید.

۳۲ و تمامی دهیک گاو و گوسفندی یعنی هر چه زیر عصابگذرد، دهم آن برای خداوند مقدس خواهد بود.

۳۳ در خوبی و بدی آن تفحص ننماید و آن را مبادله نکند، و اگر آن را مبادله کند هم آن و هم بدل آن مقدس خواهد بود و فدیه داده نشود.»

این است اوامری که خداوند به موسی برای بنیاسرائیل در کوه سینا امر فرمود.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f